

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



بودباد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
وبابگاه د اخلیش

سازمان چریکهای فدائی خلقی ایران

صفحه ۱۸

مهر ماه ۱۳۶۵

سال هشتم - شماره ۲۰۵

تحولات سیاسی اخیر در کردستان و پی آمدهای آن

تحولات سیاسی چند ماه اخیر در منطقه کردستان که در پی برقراری مناسبات نزدیک میان جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی کردستان انجام گرفته است، تا شایعات منظم و انگارناپذیری بر جنبش خلق کردهوشیز فعالیت سازمانهای سیاسی ایران که تاکنون در منطقه سرزنی کردستان ایران و عراق استقرار داشته اند، برجای گذارده و در آینده نیز پیش از این برجای خواهد گذاشت. تا شایعات این مناسبات اتحادیه میهنی و جمهوری اسلامی در صفحه ۲

بحران انقلابی برپای جامعه را در بزرگترین است. صاحب ناشی از جنگ و حاکمیت جمهوری اسلامی در تمامی عرصهها بروزندگی کارگران و زحمتکشان سابقه افکنده شرایط زندگی شده ها نیز تا قبل تحمل گشوده. اعتراضات بوده ای نسبت به شرایط حاکم بر جامعه مردم آوج بیشتری میباید زوده ها به اشکال گسترده و آشکار مبارزه روی میآورند. در چنین شرایطی که بحران اقتصادی و سیاسی مسائل ناشی از پیشبرد جنگ و تنش بینتفاذهای درونی رژیم،

تجارب یک انقلاب بنام

حاکمیت راهرو صمیمت شکننده ای قرار داده و تا اوم آن جمهوری اسلامی را در برابر اعتراضات رشد یافته توده های ضعیف تر و غریبه پذیرتر می سازد. بخشهای در صفحه ۲

بدینسال اخراج ۲۵ تن از دیپلماتهای شوروی از آمریکا در اوائل ماه اکتبر امپریالیسم جنگ طلب آمریکا مجدداً ۵۵ تن دیگر از دیپلماتهای شوروی

متحدین پرولتاریای ایران در عرصه بین المللی

هر زمان سیاسی بنام ما هیچ طبقه ای خود در جهت تحقق اهداف و منافع طبقه ای که آنرا نمایندگی میکند، دارای یک سیاست مشخص طبقه ای است. ما سیاست در کلیت خود از دو جز: لاینفک سیاست داخلی و سیاست خارجی تشکیل میگردد. هر چند که اساس تعیین کننده و مبنای فلسفی سیاستهای یک سازمان سیاست داخلی آن تشکیل میدهد، اما این سیاست داخلی و با زتاب خود را در مناسبات بین المللی و سیاست خارجی آن سازمان نیز بروز در صفحه ۵

تشیخ آفرینی بین المللی جهت تشدید ملیتاریسم

را از آن کشور اخراج نمود. دولت آمریکا دلیل اخراجها را فعالیت با مطلع منابع با تشون سیاسی دیپلمات ها اعلام کرد و در صفحه ۶

بدینسال اخراج ۲۵ تن از دیپلماتهای شوروی از آمریکا در اوائل ماه اکتبر امپریالیسم جنگ طلب آمریکا مجدداً ۵۵ تن دیگر از دیپلماتهای شوروی

یادداشتهای سیاسی

- ۱- انتظارات جمهوری اسلامی از دولت های امپریالیستی
- ۲- افزایش حضور امپریالیسم در منطقه خلیج فارس

در صفحه ۱۸

زنده باد

انترناسیونالیسم پرولتاری

ما نظور هم آگاهی طبقه ای پرولتاری از ورای مرزهای ملی میگردد و کارگران هر کشور خود را بعنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی احساس میکنند. این امر بویژه هنگامیکه کارگران تمورات را به کنار میگذارند و توجه خود را به خط مشی و پیشروی سیاسی میطلبند میکنند صدق می نماید. در قرن نوزدهم در صفحه ۲

جستار کارگری همانند نظام سرمایه داری اما با بین المللیت و همان طوریکه منابع و شبکه های حمل و نقل و ارتباطات از ورای مرزهای ملی میگردد.

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

آگاهیتان طبقاً می‌خود، هر مدافع راستین
بوسه لایم و هر انقلابی را که به سر نوشت
انقلاب و توده‌های زحمتکش مردم ایران
می‌اندیشد، به وجد بیاورد و با تداوم خود
سئوال کند که در پی این همه جنجال‌های
تخلیفات، برپا داده‌ای چشم‌آگین، پوششده و
اشهام علیه "اقلیت" چه چیزی نهفته
است؟ کسی که بخواد بپندارد و ماهیت این
مسئله‌ها را بداند به در پیشه اختلافات
میان "اقلیت" و این سازمانها و گروهها
واقف گردد و با این مسئله آگاهی یابد که هر
طبقه‌ای عمل میکند، چرا که هر کس با علم
چا همه آشنائی داشته باشد میدانند که در
پشت تمام مجادلات و مبارزاتی که امروز
بین سازمانهای سیاسی ایران در جریان
است منافع طبقه‌ای تعیینی قرار گرفته و
این مبارزه در حقیقت شکل انتقام‌طلبانه
دشمنان آگاهانه مبارزه طبقات است که
توسط نمایندگان سیاسی طبقات و انتشار
چا همزمان ندهی شده و هدایت میگردد و
از خصوصیات ساز و متما برز کننده دوران
پس از قیام سال ۵۷ از دوران ما قبل آن در
براست که تحت تاثیر تحولات دوران انقلابی
روی آوری توده‌های مردم به مبارزه آشکار
و علنی تشدید و تکیه طبقاتی و مساعده
شدن مبارزه طبقاتی مثال‌های مستحکم
سزای پنداشی احزاب و سازمانهای سیاسی
با هویت کلاسیک طبقاتی بنا نهاده شد. در
پرتو ضرورت پاسخگویی به مسائل مبهم
جنش که تحولات سریع و پرورنده و چرخشهای
عظیم تاریخی آنرا به مسئله‌ای جنیدی
تبدیل نموده، هر حزب و سازمان سیاسی
ما هیت واقعی خود را در عرصه تشریحی و
پراتیک آشکار نمود و پیش از پیش به دفاع
و پیروی از یک خط مشی در مقابل یک طبقه
و قشر معین پرداخت و مدافع آگاهانسه
و هدفمند از منافع طبقاتی تعیین برداشت.
آنچه که امروز در مناجرات و مبارزات این
سازمانها آشکار می‌شود، باید در واقع دفاع
آگاهانه از منافع آن طبقه‌ای است که هر
یک از این سازمانها نمایندگی آن را بر سر
عهده دارند. از اینرو خطاست اگر کسی
مناهی تفاوت خود را در این میان برپا به
دیگری جز این درک طبقه‌ای قرار دهد.
درک این حقیقت نشمار نیست که انگیزه‌های
شخصی و لحظه‌ای و سیاسی چریکی مجاهدین
نمیخوانند آنها را و اما در گذشته‌ها و
فرستنده راهپوشی خود را به تریبون علیه
"اقلیت" تبدیل کنند و با واکنش‌های

ذریعت جنجال‌های تبلیغاتی علیه "اقلیت"

کدام انگیزه‌ها و اهداف طبقاتی عمل میکنند؟

غمانه حزب بوده، اکثریت، راه کارگرو
حزب دمکرات را علیه سازمان توضیح دهد.
اگر در اینجا بای منافع طبقاتی مشخص در
میان نبود اگر خطری از سوی "اقلیت"
بمناب منافع منافع طبقه کارگر منافع
طبقه‌ای را که این سازمانها نمایندگی
نمیکند تشدید نمیکند، در آن صورت بی تردید
هیچیک از این سازمانها حاضر نبودند، وقت
انزوی و امکانات خود را برپا روزه علیه
"اقلیت" غنماش دهند. از اینرو ضرورت
که مضمون این مبارزه، شکار نشود و ما هیت
مبارزه مشترک این سازمانها و گروهها علیه
سازمان ما پیشرو روشن گردد.
اکنون دیگر مدتهاست که سازمان ما
بمنابه یک با رهایی حاصل یک خط مشی
انقلابی در میان توده‌های مردم ایران
شکار شده است. "اقلیت" صحت و حقا نیست
خط مشی خود را طی، چندمالی که از انشعب
بزرگ در سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران و شکل گیری "اقلیت" و "اکثریت"
گذشته است. در این جا در ترین تحولات سیاسی
چا همه دوران چرخشهای سریع در تاریخ
ایران، با اثبات رسانده است. نفس‌نفس
اعتبار سازمان ما در میان توده‌های مردم
ایران نه مریا تفاق است و نه در یک لحظه
بدست آمده است، بلکه محصول خط مشی
سازمان و مبارزات و مواضع سیاسی آن در
چند سال گذشته است. مولایک سازمان سیاسی
تنها به اشکا مواضع صحیح، صریح و روشن
سیاسی است که میتواند در میان توده‌ها
نبرد و اعتبار توده‌ای بدست آورد و اعتماد
آنها را نسبت بخود جلب کند. طی چندمالی
که از بقدرت رسیدن هیت چا که کنونی
در ایران گذشته است، مسائل سیاسی مهم
و مستعدی در چا همه تاریخ داده است که
سازمانهای سیاسی مختلف در مقابل این
مسائل مواضع مختلفی اتخاذ نموده‌اند.
از میان این مسائل متعدد مهمترین و
برجسته‌ترین آنها که در زندگی توده‌های
مردم ایران تا شبرات غیر قابل انکاری
داشته و به تفاوت توده‌های مردم در مورد
سازمانهای سیاسی ایران شکل داده است.
مستوان به موضعگیری در مقابل ما هیت
رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای آن.

مسئله جنگ و مجاهدین و شورای ملی مقاومت
اشاره کرد. در مقابل موضعگیری نسبت به
این مسائل مشی هر سازمان سیاسی محک
زده شد و توده‌های مردم به تجربه محبت و
حقانیت مشی صحیح را دریا نندند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
اقلیت " در ذهن توده‌های مردم ایران ما
نخستین موضع گیری سیاسی بسیار مهم
آن، در یکی از سر نوشت ما زرتیست و
حساس ترش لحظات تاریخ ایران شکل
گرفت. هنر زینش بسیار رکشیری: توده‌های
مردم در توهشهای از زود باوری و ندا
آگاهی بر سر میزدند و تصور میکردند، قدرت
حاکمه تازه با قدرت رسیده حافظ و حاشی
منافع آنهاست، و درست در بیهوشی که
اکثر سازمانهای سیاسی ایران از جمله
فرست طلبان غاشن توده‌ای و "اکثریتی"
به این توهش توده‌ها دان من میزدند.
"اقلیت" به افشای ماهیت فدا انقلابی و
ارتجاعی جمهوری اسلامی برخاست و بنسرد
آشکاری را علیه آن آغاز نمود. سازمان
ما با مداخله فعال در امور سیاسی چا همه
پیکرانه در افشای ماهیت این رژیم در
میان توده‌ها تلاش نمود، گذشت مدتی کوتاه
کافی بود تا در این دوران تحولات سریع
توده‌ها در عمل و در تجربه زندگی روزمره
خود ما هیت فدا انقلابی و ارتجاعی رژیم
واقف گردند و به صحت مشی سازمان در مقابل
حاکمیت بی سر بند، دومین موضعگیری
مهم و برجسته "اقلیت" در بر خورد به
مسئله جنگ ظاهر گردید، هنگامیکه چسب
شویبیتی کسرتده‌ای را سر ارجا معرافسرا
گرفته بود توده‌های که هنوز به رژیم
جمهوری اسلامی توهش داشتند، قادر به درک
ماهیت ارتجاعی جنگ نبودند و اکثریت
مطلق سازمانهای سیاسی ایران جنگ را از
سوی رژیم جمهوری اسلامی مفرقی و انقلابی
قلنداد میکردند و ما ر جنگ میهنی و دفاع
ارمیهن را بر سر داده‌اند، و بدین طریق به
تقویت زوجه شویبیتی در میان توده‌ها
داس میزدند و موقعیت رژیم را مستحکم‌تر
سکردند. سازمان ما ازها را آغاز جنگ را
ما هیت ارتجاعی معرفی نمود و به
توده‌های مردم ایران توضیح داد که این
جنگ تنها منبع نیرو و آزادی و برپاسان
توده‌های مردم ایران و عراق است و سپس
شما را تبدیل جنگ به جنگ داخلی راه‌پایان
توده‌ها برد.

گذشت شش سال از آغاز جنگ دیگر
در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی را باید بانیك اغتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

تحولات سیاسی اخیر در کردستان و پی آمدهای آن

چریکهای فدائی خلق ایران، با آب و تاب در شتریه و راه دیوچا هدا شفاکس میباشند. امروز همدست جمهوری اسلامی شده و علیه مقاومت مردم ایران "بناهاخته است؟ آیا جز این است که دیروز بنا هدا شفاکس در شتریه اش با سازمان ما، واقعیت سیاست اتحادیه میهنی را کتمان کرد، اما امروز که خود اهداف قرار گرفته است، ناگزیر است بدان اعتراف کند؟ روشن است که این سیاست اتحادیه میهنی به همین جا ختم نمیشود، و تخمینها و محدودیتها بیسی از سوی این سازمان در نوردیده میگردد. اما شهای سیاسی ایران در منطقه تحت کنترل او انجام خواهد گرفت. اما از جنبه دیگر نیز سیاستهای اتحادیه میهنی بر سیاست سازمانهای سیاسی ایران در منطقه تنبیه شده است. تا پیش از غلبهات مشترک جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی در کردستان، عراق، یک منطقه محدود در خطوط مرزی، در واقع در نتیجه شفاکس دولتهای ایران و عراق، صورت یک منطقه بالکنیه این برای استفسار سازمانهای سیاسی در آمده بود. اما در نتیجه سیاستهای اتحادیه میهنی، امنیت این منطقه نیز از میان رفت و در معرض سمارانها و توب مارانها قرار گرفت که طی چند ماه گذشته به کشته شدن تعدادی از نیروهای ایرانی در این منطقه انجامیده است.

نتایج سیاست نزدیک روزافزون اتحادیه میهنی به جمهوری اسلامی تنها به سازمانهای سیاسی ایران محدود نمی شود، مهمترین آن، نتایج فاجعه بشاری است که این سیاست برای توده های مردم کردستان در پی خواص داده است. به گواهی تمامی تجربه سازشاتی مردم کردستان طی سالهای اخیر، لطمه ای که خلق کرد از چنین سیاستهایی خورده است در دنا کترین لطمات این چنین بوده است. ما برای ملاحظاتی با رزانی هنوز در خاطر توده های مردم کردستان زنده است. درگ اهمیت این مسئله هنگامی آشکار میشود که آنجا مومنت واقعیت حسی خلق کرد شناخته شود.

همانگونه که تجربه نیرناکسون نشان داده است، چنین سازشاتی مردم کردستان تنها علق اقتصادی اجتماعی و سیاسی نمیتواند بیجا به یک جنبش مستقل

بر محدود شدن حیطه فعالیت سازمانهای سیاسی ایران در این منطقه که عملاً تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان قرار دارد. هم اکنون به یک واقعیت انکسار نابینا تبدیل شده است. نخستین عواقب این تحولات که با حمله مسلحانه یک مارتدور و خود فیروخته به مرکز رادپوشی سازمان و حمایت اتحادیه میهنی از این مزدوران خود فروخته، آشکار گردید و متعاقب آن معادل ده میلیون تومان امکانات رادپوشی، مخاراتی، تبلیغاتی و انتشاراتی سازمان توسط اتحادیه میهنی به تاراج برده شد و محدودیتها و تضییقات متعددی از سوی این جریان بر سر راه فعالیت سازشاتی سازمان در این منطقه ایجاد گردید. طبعا حمایتی رنگ خطری بویژه برای سازمانهای سیاسی ایران باشد، اما در آن ایام اتحادیه میهنی کردستان تلاش نمود با الت دست قرار دادن برخی از سازمانهای سیاسی ایران در منطقه، و تحریف واقعیتها، ناهمت واقعی این رویداد و نتایج آن را پنهان کرده نگه دارد. روشن است که مسئله ای در این ایام نمیتوانست پیشان باشد، از همین رو است که در ادامه وسیع تکیسی همس سیاست نیروهای مجاهدین در منطقه مورد حملات مسلحانه اتحادیه میهنی قرار میگیرند. بنا به اخبار منتشره از سوی سازمان مجاهدین خلق میهنی سازمانی که بعثت دشمنی خود با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، یکی از سازمانهای فدائیتلاسی بوده که در جریان حمله مسلحانه به مرکز رادپوشی سازمان اتحادیه میهنی هم آواز گردید و تسلط کرد ما هیت واقعی سیاست ارتجاعی اتحادیه میهنی در این ماجرا پوشیده ساخت. طی ماههای اخیر چندین سازمان نیروهای رادپوشی در معرض حملات مسلحانه اتحادیه میهنی قرار گرفته و ده تن نیز قتل رسیده اند. مجاهدین اکنون که خویشان با این سیاست اتحادیه میهنی رو برو گشته اند، تندبوزاری سر میدهند، خلق راه شهادت مطمئنند و از همدستی اتحادیه میهنی و جمهوری اسلامی علیه مجاهدین سخن نمیکوسد. مردم ایران تا به حال کسانی که غمگانه نگمازه در مدتی بد... کواهی "منصف" میسرور، که حکم و نفاذش علیه سازمان

رشد کند و به پیروزی برسد، رشد و افلا جنبش مردم کردستان با تحت تا شتریه سراسری توده های مردم کشورها می گسسته خلق کرد ما بین این کشورها منقسم گسسته است صورت میگیرد و با تحت تا شتریه های منطقه ای بویژه شفاکس دولتهای که خلق کرد در آن کشورها ساکن است، زمینه رشد و افلا میباید. همانگونه که میدانیم خلق کرد اکنون سالهاست که میان چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه تقسیم گشته است. امروز زمان و فرصت برای تحولات اقتصادی - اجتماعی که در این کشورها و در مناسبات اجتماعی میان خود میسرور کردستان صورت گرفته و مناسبات اقتصادی و فرهنگی آنها با توده های ایران، عراق، ترکیه و سوریه گسسته و فیلدالی از هم پاشیده شده است و تولید کالای خلقی صورت شده است. اقدام اقتصادی آنها در بازار واحد خلقی کشورهاست. فوق الذکر صورت گرفته است. با این نتیجه پیوندهای اقتصادی - اجتماعی میهنی آنها با کشورهای فوق الذکر پیوسته بیشتر شده است. هر چند که در همه جا صورت بستگ ملت تحت تسلط باقی مانده است. این تقویت پیوندهای اجتماعی - اقتصادی میهنی سبب گردیده که جنبشهای اجتماعی در فوآین و عملکردهای حرکت اجتماعی سراسری در این کشورها گردید و استقلال سارزانی آنها در ارتباط با جنبش سراسری باشد. هر چند که شکل سارزانی آنها به دنبال ملی و فرهنگی متفاوت باشد. این نشان از این حقیقت است که آشکارترین وجهی نشان داده میهنی توده های مردم کردستان ایران بعنوان جزء لاینفک جنبش سراسری عموم توده های مردم ایران علیه رژیم شاه شکل گرفت و افلا و امت آن رابطه مستقیم با ملت و غیره ای جنبش سراسری داشته است. هر چند که استقلال نسبی این جنبش و شکلها یا سارزانی آنها نمیتوانند تا همه گرفت. انقلاب ایران و افلا جنبش سارزانی مردم کردستان ایران بر افلا جنبش خلق کرد در کردستان عراق نیز تا شتریه گذاشت و تحت این تا شتریه در کویا سازمانهای سیاسی در کردستان، مستقری بریما رشد کردند با ما نزول انقلاب ایران و تسلط ارتجاع اخراجت میگویند و در این جنبش مردم کردستان نیز بر جای گذاشت. ارایس سراسر جنبش تحت رهبری سازمانهای منطقه ای پیش از پیش ملت اشکا، خود را شفاکس منطقه ای در پی آمده که در شتریه دولتهای است. عراق شکسته شده است. اشکا، مردم شفاکس در تحت همان سیاستی است. یک یا توسط ملاحظاتی سارزانی

تشیخ آفرینی بین المللی جهت تشدید مبارزات

مزورانه اظهار امیدواری کرد که اقدام آمریکا تا شرفنا مطلوبی بر روابط دو کشور نداشته باشد.

در حالی که جهت نظام سرخپایان گندیده سرما به داری در آمریکا شدیدترین استقبال برگزیده کارگران جهت کسب برده های گلان وارد می شود و به بهای بیگاری، فاسد و بی خانمانی دهها میلیون زحمتکش آمریکا را در محاسبات خود محاسبه کرده و فرج آسود نظام می بیند، در حالی که برده سداران آمریکا با عضویت کم سابقه ای به امنیت و آزار و تشدید فتنه های سیاسی، نظامی و فتنه های انقلابی آن کشور می پردازند. سیاست خارجی دولت آمریکا نیز خواستند جز شوخی گوی و جنگ افروزی در مناطقی مختلف جهان، تجاوز نظامی علیه کشورهای مستظرف را غده از بیوع امپریالیسم، اعمال تروریسم دولتی، میان کشیکه ملیسمه خلقی و حقوقی و تحریک زاندارم ها پیش به انجام چنین اعمال تروریستی، اعزاز نیرو به کشورهای تحت نظارت و حمایت از دولت های ارجحی همچون البانیا، بولیوی و... و بر سر ابرویخ توفنده انقلابی زیر پا گذاشتن شما می نماند به همسایگان سازمانهای بین المللی همچون دانشگاه صلح و شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با عدم تجاوز به نیگاراگوا و دست کشیدن از حمایت از فدا انقلابیون آن کشور نیاید. امپریالیسم آمریکا برای بیرون رفتن از بحران وضعی که گریبانگیر شما می نماید سرما به داری شده است به تشدید مبارزات رژیم روی آورده است.

اقدامات نامالی - نظامی آمریکا برای دست یافتن به اهداف خود و تقویت الزامی بودن های گلان تلاش میکنند با اتخاذ سیاست های بنیاد ارتجاعی، با تحریک افروزرگانی مردم آمریکا و افکار طبق مانده آمریکا را برای توسعه مبارزات

و گسترش آن به کل جهان فراهم سازند. امپریالیسم آمریکا در این راه همراهی و حمایت شما می برده سداران امپریالیستی اروپایی نیز برخوردار میباید شرکت کارگران اروپایی برگر و زورچنگ آمریکا در جلای و زورچنگ کشورهای همسایه همان خاطر که چندی پیش در آنجا

برپا شده بود و گرفتن ناشده ها نیست آنها از طرح جنگ ستارگان آمریکا در همین زمینه میباشد. هر زمان که بحران اقتصادی حیات سرما به داری را با خطر می اندازد سرما به داران هولناکتر از پیش به جنگ افروزی و کشتار روی می آورند. این روند به ویژه از هنگام تولد اولین دولت سوسیالیستی در جهان، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و بنیاد آن ایجاد داره و گاه سوسیالیستی در وی آوری غیره گنجانده شده های ستمدیده و استعمار شده به انقلاب پرولتری و سوسیالیسم شدت بیشتری یافته است. پس از جنگ جهانی دوم تاکنون در حداقل ۱۵۰ جنگ توسط امپریالیستها در جهان به راه انداخته شده است که کشتار آن بیرون از شما راست. امپریالیستها برای به زانو در آوردن سوسیالیسم و نابود کردن انقلاب از یکا رگیری هیچ اقدامی کوتاهی نکرده و شکی نیست در زمانی که امپریالیستها شما را سلاح اتشی را در دست داشتند، پس از هولناک ترین جنایت تاریخ بشری در هروشیا و ناکازاکی ژاپن، سوسیالیسم و انقلاب را با بمب اتشی مورد تشدید قرار دادند، زمانی که آنها ریح اتشی زدند آنها خارج شد و آنها زیمبیدروونسی را به دست آوردند همین تشدید را مجدداً انجام دادند. اکنون که بحران بین عمیق تری گریبان گیر امپریالیستها شده است و موج انقلاب حیات تشکیان را بطور جدی به خطر انداخته است، آنها در پی کسب برتری نظامی در دنیا و به انحصار در آوردن طرح جنگ ستارگان هستند. نشان سوشی بودهای گلانی بدست آوردن سوشی دیگر اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای رها شده از بیوع امپریالیسم و انقلاب جهانی را مورد تشدید قرار دهند. امپریالیسم آمریکا برای تحقق این هدف تیره گردن روابط سیاسی با شوروی، تحریک و دامن زدن به تجمعات کور ملی افکار عقب مانده آمریکا نشان و سیاست کمونیست ستیزی را

پیشه و تشدید نموده است. امپریالیسم آمریکا در این راه از همسایگی دولت های امپریالیستی اروپایی از فلسطینی ترین احزاب حاکم آن گرفته تا احزاب با صلاح سوسیالیست و سوسیال دمکرات حاکم برخوردار میباید. انحصارات مالی - نظامی و کارگزاران آنها مجموعه سیاستهای را در سطح جهانی پیش گرفته اند که تسمیری جز جنگ و توسعه

مبارزات رژیم نمیتواند داشته باشد. امپریالیستهای در حال ترک از این طریق میگویند با کشتار میلیون ها تن و تشدید استثمار کارگران سوسیالیستی امپریالیستی را حفظ کرده و همچنان به فارت و سرکوب شده ها ادامه داده و از تحقق انقلابات پرولتری در سطح جهانی جلوگیری کنند و از نگاه سوسیالیسم را خصیصه نمایند. اما علیرغم شما می این تجمعات جنبش انقلابی جهانی و سوسیالیسم در جهان از آنچنان توان کافی برخوردار است که با توانمندی در مقابل شما و زات امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها پس خواهد ایستاد.

تظاهرات، اعتصابات، راهپیمایی های گسترده شده ای، کنفرانس های بین المللی و همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان در مقابله با جنگ افروزی و سایر تملیحاتی امپریالیستها نشان این توانمندی و اراده شده ها در برابر اهداف سوسیالیسم جنگ افروزان می باشد. علاوه بر سوسیالیسم آنچنان چشم انداز روشنی برای توده های استعمار شده عرضه کرده است که اراده توده ها را در سرنگون ساختن سرما به داری چید سر بر نموده و برای نظام سرما به داری راهی جز نابودی قطعی باقی نگذاشته است. در حالی که نظام سرما به داری در دوران حیاتش برای توده های استعمار شده و ستمدیده جز مرگ ناشی از گرسنگی، قحطی، بیگاری، بیماری و از همه بدتر کشتارهای دسته جمعی توسط سلاحهای مغرب و شیمیایی و مملکت تر از همه سلاح هسته ای به ارمان نیسار آورده است. سوسیالیسم برای توده های رها شده از بیوع استثمار، رهاشی، رفاه اجتماعی، آزادی و صلح به ارمان آورده است که با انقلابات پرولتری و گسترش سوسیالیسم به تمام عرصه گیتی همراه با نابود ساختن شما می طبقات طمع را جاودانه خواهد ساخت. نظام سرما به داری و در رأس آن امپریالیسم آمریکا نمیتواند از بحران جهانی که هر روز عمیق تر میشود با قوانین داخلی خود که ایجاد تشنج، ملیتاریسم و جنگ از ملزومات آن است، نجات یابد. علیرغم عوارض و فطرات بسیار عظیمی که گسترش مبارزات رژیم برای توده های جهان در بر خواهد داشت. اما همچنان که تاریخ ۷ دهه اخیر آنرا مکرراً ثابت کرده است، نظام سرما به داری از لحاظ تاریخی محکوم به فنا است.

زندگی با سوسیالیسم



زنده باد

انترناسیونالیسم پرولتری

بیشترت سریع صنایع و توسعه سرمایه داری بطور انبساط آوری با رشد سریع طبقه کارگر همراه بود. آگاهی طبقاتی پرولتاریا، سازماندهی و سازماندهی او نیز برپا در حال شکل بود. طبقه کارگر تجربیات چشمگیری در مبارزه طبقاتی بیوفه در انقلابات ۱۸۲۸ - ۱۸۲۹ که خود جنبه بین المللی داشت کسب کرده بود. کارگران بطور هم افزونی سازمانهای خاص خود را برپا میکردند، اتحادیه های کارگری و تشویشها در انگلستان، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا برپا شده بود.

کارگران که در انقلابات متعدد بورژوازی اروپا و آمریکا به امید دست یافتن به وعده های پرزور و پرزور برنا می های سیاسی، بورژوازی جنگیده بودند. تجربه دریا رفتند که ادما های بورژوازی مبنی بر آزادی برابر و برادری فریبی بیش نیست، از این رو آنها پس از سالها تجربه به سلاح خود، اتحاد و انتخاب روی آورده، روز بروز به تعداد و اعتبار افزوده میشد و موفقیت های حاصله از آن محرک برای جنبش روبرو اعتدلی کارگران بود. کارگران میکربا کشتان را تنها از زوایای تنگ کارخانه شهری و کشور خود فرود برسی قرار نمیدادند، آنها می بایست یکدیگر را شناخته، از چار ب یکدیگر بیاموزند و از یکدیگر در مبارزه روبرو رشده اقتصادی و سیاسی علیه سرمایه داران حمایت کنند، اگر چه سرمایه داران در وفات با یکدیگر بودند، مهمبدا در مقابل خواست های ویژه طبقه کارگر وحدت بین المللی شدیدی نشان میدادند.

از این روهستی بین المللی پرولتاریا بیوفه در ابتدای دهه ۱۹۶۰ سرمایه در حال با گرفتن بود. کارگران فرانسوی و انگلیسی این همبستگی را با حمایت از قیام کارگران و زمین کشتان لهستانی در سال ۱۸۶۳ به نمایش گذاشتند. سازمانهای کارگری انگلستان در جریان جنگ های داخلی ایالات متحده آمریکا، هنگامیکه حکومت سرمایه داری انگلستان در حال تدارک کک به ایالات برده در جنوب بود،

فشارهای زیادی به دولت خود در مقابل با این سیاست وارد آوردند. کارگران در تجربه مبارزاتی خود دریافتند که برای مبارزه علیه شرایط سخت کار و زندگی غیر قابل تحملی که سرمایه داران بر آنها تحمیل کرده اند، تنها با بدبسته نیروی متحد و همبسته طبقاتی خود میبایست باشند. کارگران بیوفه کارگر کسب انکلیسی، تنها به مبارزه جهت خواستهای منفی اکتفا نمی کردند بلکه اساس نظام سرمایه داری را نیز مورد حمله قرار میدادند.

استثنا روحیانی سرمایه داری که با انقلابات ممتدی تشدید میشد و جنبش های کارگری را امتلا می بخشید، از میان طرف خود سرمایه داران و اقل و مضبوط نیز اعتراضات را برانگیخت. این اعتراضات با انواع گوناگونی از سوسیالیسم تحلیلی یعنی رفرماتی در نظام سرمایه داری و در واقع برای ابدی کردن سرمایه داری تجلی میبانت. همزمان با رشد جنبش کارگری در ایالات پیش از تاسیس بین الملل کارگران، چندین جریان اجتماعی از جمله جنبش اتحادیه ای بیلتنگیم، پرودونسم، لائالیسم و با گوتیم پییدار شدند که هیچک با سختری سبب ازات پرولتاریا نبودند و همگی جریان تاسی خرد بورژوازی و انحراف در مبارزه طبقاتی پرولتاریا بودند. اما بزرگترین ویسی نظیر ترین موفقیت و بیشترت طبقه کارگر در این سالهای سازنده و رشوتکا مل سوسیالیسم علمی توسط کارل مارکس و فردریک انگلس بود.

مارکس و انگلس که در پی تحقیقات خود به این نیاز ذاتی پرولتاریا و قوف کامل داشتند، در سال ۱۸۴۲ اولین سازمان بین المللی کارگری موسوم به اتحادیه کمونیستها را از کارگران نور و شتکاران انقلابی آلمانی سوشی و چند کشور دیگر تشکیل دادند. مارکس و انگلس مشترکا اولیسم برنا به حقیقتا انقلابی پرولتاریا را در سال ۱۸۴۸ بنا نهادند حزب کمونیست تدوین کردند که در آن شمار کارگران نظام کشورها متحدشود "بنا به شماری که بیانگر وحدت صنایع پرولتاریا در مقابل سرمایه داری در مبارزه علیه سرمایه است مطرح کرده است. این بیانیه کسه دعوات تاریخی و اعلام جنگ فطری کارگران علیه نظام سرمایه داری است. پایه های محکم اندیشه و عمل پرولتاریا

را برای کارگران که از این پیرا سوسیالیسم را در پیش میگردند پایه گذاری نمود. این بیانیه به کارگران نشان داد که چگونه از صنایع خود در برابر نظام سرمایه داری دفاع کنند. چگونه نظام سرمایه داری را از رگون نموده و چگونه با اعتقاد جامع، نوین سوسیالیستی را بنازند. اتحادیه کمونیست ها که پس از شکست انقلابات ۱۸۴۸ در اروپا دیگر قادر به رهبری بین المللی جنبش کارگری نبودند. رسا در سال ۱۸۴۹ شکل ده اما از آنجا که در سالهای دهه ۱۸۶۰ جنبش کارگری در ایالات آگاهی طبقاتی قابل ملاحظه ای یافت بود. جنبش از هر زمان آماده بود که نیروهایش را در سطح بین المللی متحد سازد و مبارزه متحد و همبسته خود را در سطح بین المللی علیه سرمایه بین المللی دنبال کند. از این زودتر ۲۸۰۰ سبب سبب ۱۸۶۴ نمایندگان کارگران انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، ایالتی و چند کشور دیگر در لندن با هم در لندن اتحادیه بین المللی کارگران را که بعدها به سنت انترناسیونال اول شهرت یافتند تاسیس نمودند. تقابله کارگران آلمانی در این مجمع بین المللی، کارل مارکس رهبر برجسته مبارزه رهائی بنسب پرولتاریا بود، که به همراه اولیسم همزمن فردریک انگلس برتری بی چون و چرای سوسیالیسم علمی را طی دوهده مبارزه اپیدولوژیک به جهانیان ثابت نمودند. از این روش تنظیم خطابیه انتخاباتیه و قوانین عمومی به و به برده شد. مارکس و انگلس همواره رهبران سیاسی اصلی جنبش بین الملل و متفکرین برجسته آن بودند و شورای عمومی بین الملل راه ستا در زمینه مبارزه اپیدولوژیک و سیاسی کارگران جهان علیه تمامی اپیدولوژیهای بورژوازی و بفرده بورژوازی نفوذی رزون جنبش کارگری تبدیل نمودند.

در زمان تاسیس بین الملل اول هنوز احزاب و سازمانهای سیاسی طبقه کارگر به دنیا نیامده بودند، اما همبسته بسیاری از اتحادیه های کارگری کشورهای سرمایه داری به انترناسیونال اول پیوستند. در نتیجه کارگران با بطرح مختلف آگاهی طبقاتی در بین ایالتی شرکت کردند. از این روبرو تاسیس اساسی می بایست جهان روشنی

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

درشت جنجال های تبلیغاتی
علیه "اقلیت"
کدام انگیزه ها و اهداف طبقاتی
عقل میکند؟

ایران است. برای اولین بار پس از سرکوب و تلافی حزب کمونیست ایران در سالهای ۲۰-۱۳۱۰ بدست مرتجعین، "اقلیت" پرچم این حزب را برافراشت و از برنا نه و تا کشتیکای پرولتری انقلابی دفاع نمود. بزرگترین گناه آنکی شمشور طبقاتی داشته باشد، روشن است که این برنا نه و تا کشتیکای نمیتوانست و اکنون خصانه و دیوانه وار پرور و آری و عواصیل متعدد آنرا بر بنیاد نگیزد. فی المناسبت مجاهدین خلق در تظاهرات یک برنا نه و تا پرور و آری - و فرمیستی، نظام ارتجاعی - پرور و آری که حکم بر ایران را حفظ کنند، ابزارهای منم و سرکوب پرور و آری را در ایران با برجا نگهدارند، و یک حکومت مذهبی دیگر را جایگزین حکومت جمهوری اسلامی کنند، روشن است که این برنا نه و اهداف علیه انقلاب و توده های مردم ایران و در خدمت منافع پرور و آری است. سازمان ما این اهداف و مقاصد مجاهدین را بهیچ وجه در پی نگاه نداشته ایم. مردم ایران افشا شده، دشمنی شان را با دیکر و آری و دفاع شان را از نظم ارتجاعی - پرور و آری و طبقه سرما به دار نشان داده است. سازمان ما در برابر برنا نه و تا پرور و آری و فرمیستی مجاهدین خلق، برنا نه و تا تحولات انقلابی، دیکر و آری طبقه کارگر را فراموش کرده است. اگر مجاهدین خلق خواستار فرم های ناچیز لیبرالی در سیستم موجودند، برنا نه و تا دیکر و آری انقلابی - دیکر و آری در ایران دفاع میکند. اگر مجاهدین خلق خواستار حفظ ارتش، پرور و آری و دیکر و آری نهی های ارتجاعی - پرور و آری و سرکوبند، برنا نه و تا خواستار برپا شدن تمام دستگاه های سرکوب و پرور و آری که استوار یک دیکر و آری واقعی از طریق حکومت شورائی و تسلیم عمومی خلق است، اگر مجاهدین خلق از یک حکومت مذهبی دفاع میکنند سازمان ما با آنها هرگونه حکومت مذهبی در ایران دشمنی نشان میدهد و خواستار جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب است. اگر مجاهدین خلق از برسمیت شناختن حق ملیتهای تحت ستم ایران در زمین سرزشت خویش سسر باز میزند سازمان ما بهیچرا نه از اینس خواست ملیتهای تحت ستم ایران دفاع میکند. اگر مجاهدین خلق در پی ستم و ستم

حتی بر عقب مانده ترین بخش توده های مردم نیز ترمیدی در صحت و حقانیت موضع سازمان در قبال مسئله جنگ باقی نگذاشته است. توده های مردم ایران در تجربه در بافتد که مومنگیری سازمان ما در مسوول مسئله جنگ همچون موضع ما در قبال حاکمیت، موضعی اصولی و انقلابی و منطبق بر منافع آنها بوده است. سومین مومنگیری مهم و اساسی سازمان ما در قبال مهمترین مسائل سیاسی ایران، بهر مسئله - مجاهدین خلق و شورائی ملی و مقاومت آنها بروز نمود. سازمان ما ضمن آنکه در آن ایام که هنوز ما مجاهدین خلق در منقلب کنونی سرور گرفته بود، از مبارزه آنها علیه رژیم جمهوری اسلامی حمایت کرد، اما اختلاف آنها را با پرور و آری لیبرال یک اختلاف مفروضی نیست بحال جنبش قلمداد نمود، از ورود به شورائی ملی مقاومت خودداری نمود و بهر چنانکه ما هیت برنا نه و تا افشا نمود سازمان ما در ادامه این خط منی قدم مقدم پرور و آری است. له خدا انقلابی سازمان مجاهدین خلق را به یک سازمان خدا انقلابی پرور و آری در برابر توده های مردم ایران افشا و آشکار نمود. این مومنگیریهای اساسی سازمان در قبال مسائل سیاسی ایران در جنبه دیگر مواضع صحیح و اصولی سازمان در زمینه مواضعی هستند که بگوشش نفوذ و اعتبار سازمان در میان توده های مردم و جلب اعضا آنها انجامیده است. این مومنگیری ها که صحت آنها اکنون برهنگان آشکار شده است از کجا منشا میگردد؟ از یک ایدئولوژی صحیح، علمی و انقلابی، از مارکسیسم - لنینیسم بمناسبت بگانه ایدئولوژی طبقه کارگر. هنگامیکه انشعاب بزرگ در سازمان شکل گرفت و "اقلیت" و "اکثریت" به صورت دو سازمان جدا گانه درآمدند، هر چند اختلافات آنها بهر مسئله ما هیت حاکمیت جمهوری اسلامی انکسار بیرونی یافت، اما در اساس این دو سازمان، مدافع دوا ایدئولوژی اساسی متفاوت بودند. "اقلیت" از سوسیالیسم علمی و منافع طبقه کارگر دفاع نمود و "اکثریت" مدافع سوسیالیسم اپورتونیستی حزب توده و مدافع منافع پرور و آری گردید. در حالیکه "اکثریت" پس از انشعاب شناختن به ارتداد تمام گروه، "اقلیت" در هر گام سسر و آری از آلودگیهای لیبرالیسم رگسختی پاک نمود. منی طبقه لنینی در پیش گرفت و به برنا نه و تا کشتیکای منی است یافت که بیباک منافع طبقه کارگر، توده های زحمتکش و انقلاب

با امپریالیسم و تلاش در جهت حفظ موقعیت امواج امپریالیستها در ایران است. سازمان ما دشمن آشتی نا پذیر است. امپریالیسم است و خواهان توده هر چه بیشتر مبارزه علیه امپریالیسم و انجمام اقداماتی است که برای همیشه به تسلط و نفوذ امپریالیسم در ایران پایبند است. بخشد، خلاصه کلام اگر ما مجاهدین خلق در کلیت سیاستهای خود از منافع طبقه سرما به دار دفاع میکنند، سازمان ما مدافع منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه مدافع منافع عموم توده های زحمتکش ایران است. پس چه جای تمعن است اگر مجاهدین خلق تمام انرژی و امکانات تبلیغاتی خود را علیه "اقلیت" قسرار دهند و از هیچ دشمنی نسبت به آن در سبغ نورزند. مبارزه سازمان مجاهدین خلق و سازمان ما با آن آگاهانه مبارزه طبقاتی دو طبقه اساسی نا پذیر در جا به جا طبقه کارگر و طبقه سرما به دار است. اما مجاهدین خلق هر چند عمده ترین نیروی جنبه مبارزه علیه "اقلیت" است، اما تنها نیروی آن نیست. از دیکر فعالین این جنبه میتوان به حزب توده، اکثریت و راه کارگر اشاره کرد. اینان نیز که اکنون دیکر و آری و سوسیالیسم در زمین شان با افشا، و ورشکستگی همه جانبه روبرو شده است، هر تلاش مجددشان را ساخط منی و مواضع "اقلیت" روبرو می بینند. سازمان ما نه فقط بر حمانه در افشای ما هیت خیانتکارانه حزب توده و اکثریت تلاش نموده بلکه هم اکنون نیز بصورت جدی محکم سسر سراه خط منی سیاسی حزب توده و با صلاح تشکیل جنبه خلقی آن در آمده است. اما مشکل سوسیال - فرمیستی در رابطه با سازمان ما به همین جا ختم نمیشود. سازمان ما بصورت سازمانی که بهیچرا نه از سوسیالیسم علمی دفاع میکند و از یک خط منی مارکسیستی - لنینیستی مستحکم سسر برخوردار است بگانه مانع جدی در برابر سوسیالیسم اپورتونیستی و دروغین حزب توده و "اکثریت" است. اینان بخوبی آگاهند که تنها این خط منی میتواند در برابر اپورتونیسم ایستادگی کند. حزب جریانات مدافع سوسیال - امپریالیسم، که سوسیالیسم آنها نیز همانند حزب توده، سوسیالیسم غیر پرولتری است، احساس خطر نمیکنند. چرا که آنها هم اکنون بیک جریانی ازوله شده و منفرد در جنبش ضعیف شده و فاقد هرگونه نفوذ و اعتبار در میسسان کارگر اند. حزب توده، از جانب توده ای



شرمگین امثال راه کارگر نیز هیچگونه نگرانی ندارد، چرا که اینها نیز اولاً اهمیت چندانی در جنبش ندارند، ثانیاً علیرغم اینکه ظاهراً در برخی موارد میکوشند خود را متعاضد از حزب توده نشان دهند، اما در اساس دارای همان خط مشی میباشند، و حزب توده و "اکثریت" این گروهها را ارتش ذخیره خود حساب می آورند.

اما "اقلیت" دارای یک خط مشی انقلابی است که در میان کارگسران و روشنفکران انقلابی ایران دارای اعتبار و نفوذ است، و با داشتن یک برنامه و تاکتیکهای لینی، از استحکام و پیروزی برخوردار است. بنا بر این سوسیال - رفرمیست های توده ای و "اکثریتی" نیز ارجح تلافی علیه سازمان مافروگذار نمیکند. توده ای های شرمگین نیز جزو مکمل این جبهه ضد اقلیت هستند.

پس از رسوایی های اخیر حزب توده و اکثریت "و دفاع همه جانبه آنها از رژیم جمهوری اسلامی تا حد مشا رکت در سرکوب نیروهای انقلابی و افشای همه جانبه این خط مشی، توده ایهای شرمگین همچون راه کارگر و گروه گشتگر که در اساس حامل همان خط مشی حزب توده اند و هیچ تفاوت کفی با یکدیگر ندارند به تلاش افتاده اند تا در سبوحه سی حیثیتی حزب توده و "اکثریت"، مصنوعاً خط و مسرزی میان خود و این سازمانها بکشند، اما غیر مستقیم میکوشند ما هیت ضد انقلابی حزب توده و "اکثریت" و سوسیالیسم دروغین آنها را از نظر رینهان دارند و حیثیتی برای آنها دست و پا کنند. توده ای های شرمگین استدلال میکنند که انکال حزب توده در این است که عامل دیپلماسی شوروی است. این در واقع بدان میماند که کسی بخواهد آشکارا از پاسخ به مسئله ماهیت طبقاتی حزب توده طفس سر رود. در اینجا معلوم نیست که ماهیت طبقاتی حزب توده چه میشود؟ حزب توده یک سازمان سیاسی است، دارای یک خط مشی، ایدئولوژی و سیاست معین است، اعضا و هوادارانی دارند که در ایران فعالیت کرده اند، کسی که بخواهد با حزب توده و عملکرد آن برخورد داشته باشد، باید پاسخ دهد که حزب توده کدام فشار طبقه را نمایندگی میکند؟ از منافع چه طبقه ای دفاع مینماید؟ و در خدمت چه اهداف و مقاصد است؟ حزب توده در هوامعلسق نیست، پایه های مادی و طبقاتی آن بزروی زمین و در درون جامعه ماقرار دارد، نمیتوان با این ادعا که حزب توده عامل دیپلماسی

درینت جنجال های تبلیغاتی
علیه "اقلیت"
تدام انگیزه ها و اهداف طبقاتی
عصل میکنند؟

شوروی است ماهیت طبقاتی حزب توده را پوشیده داشت. علاوه بر این حزب توده معتقد است که مدافع سوسیالیسم میباشد. سوسیالیسم حزب توده چگونه سوسیالیسمی است؟ آیا اساساً حزب توده به سوسیالیسم علمی معتقد است؟ توده ای های شرمگین از پاسخ به این سئوال سرباز میزنند و میکوشند این واقعیت را پوشیده دارند که حزب توده هیچگاه به سوسیالیسم علمی اعتقادی نداشته و نقش آن همیشه خرابکاری در جنبش طبقه کارگر ایران بوده است. حزب توده نه امروز، نه از هنگامیکه راه رشد غیر سرمایه داری را بمعنا به رهنمون عمل و فعالیت خود پذیرفته، بلکه از همان آغاز موجودیت خود با سوسیالیسم علمی بیگانه بوده است. حزب توده طی چندین سال فعالیت خود در ایران سوسیالیسم اپورتونیستی خود را بعنوان سوسیالیسم علمی خازده و چنان آنرا در جنبش رسوخ داده است که حتی کسانی که خود را ظاهراً دشمن حزب توده نیز معرفی میکنند، در عمل خودشان همان خط حزب توده را پیش میبرند. از این رونق وونی در اصل مسئله نمیکند که کسیکه این خط مشی را پیش میبرد تا مش حزب توده با شد با سازمان انقلابی حزب توده، رنجبران، اکثریت و راه کارگر، جوهر تفکر و سوسیالیسم همه اینها یکی است. حزب رنجبران که دیگر عامل دیپلماسی شوروی نیست، حتی ظاهراً با راه رشد و مویبه های کنگره های ۲۰ و ۲۲ هم مرز بندی دارد، و علاوه بر آن معتقد به احیای سرمایه داری در شوروی است، اما چه کسی میتواند انکار کند، که سوسیالیسم ادعائی رنجبران جوهری متفاوت از سوسیالیسم ادعائی حزب توده دارد؟ کسانی که امروز بنام "اکثریت" معروف شده اند، اغلب آنها کسانی هستند که خود زمانی در زمره سر سخت ترین مخالفان حزب توده محسوب میشدند، به مبارزه مسلحانه نیز معتقد بودند، راه رشد غیر سرمایه داری را هم ردمیکردند، اما از آنجا شیکه دیدگاه و خط مشی آنها منبعت از همان آموزشهای بود که حزب توده بنام سوسیالیسم علمی در ایران رواج داده بود، سرانجام در برابر حزب توده تسلیم شدند.

سازمان ما با چنین درکی از سوسیالیسم با حزب توده و توده ای های شرمگین مرز بندی

دارد، سوسیالیسم ادعائی حزب توده فرستگها با سوسیالیسم علمی فاصله دارد. سوسیالیسم علمی برینتیا دیک درگ ما تر با لیستی از تاریخ قرار دارد و مبارزه طبقاتی را نیز محرکه تکامل تاریخ می شناسد، اما سوسیالیسم حزب توده به گواهی نشوری و براتیک نیم قرنهاش در همه جا این مهمترین آموزش مارکسیسم را در باره مبارزه طبقاتی انقلابی انکار میکند، نشوری وحدت عوامل و سازش طبقاتی را با یگزین مبارزه طبقاتی انقلابی میکند، و رفرم رابه جای انقلاب می نشاند.

سوسیالیسم علمی بر حفظ اکیس استقلال طبقاتی پرولتاریا، بر تمامت سیاست، برنامه و تاکتیک پرولتاریا در برابر تمام جریانات غیر پرولتری تاکید میورزد، در حالیکه سوسیالیسم ادعائی حزب توده طبقه کارگر را به انحلال در بورژوازی و دنباله روی از بورژوازی و سیاستهای آن سوق داده است. این تنها در دوران خمینی نیست که حزب توده از طبقه کارگر میخواهد که تحت رهبری "امام" و سیاستهای او قرار بگیرد، بلکه در دوران ممدق نیز همین سیاست را دنبال کرد. سوسیالیسم علمی وجه ممیزه بینک مارکسیست را از اپورتونیست اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا میداند، در حالیکه سوسیالیسم حزب توده به گواهی تمام عملکردهای حزب هیچ اعتقادی به دیکتاتوری پرولتاریا ندارد، وقتی که استقلال طبقاتی پرولتاریا در وجه مختلف آن انکار شود، و طبقه کارگر به زائنده بورژوازی تبدیل گردد، وقتی که نقش و رسالت طبقه کارگر در عمل از سوی حزب توده به افشار و طبقات غیر پرولتری تفویض میگردد، چه جای صحبتی از دیکتاتوری پرولتاریا میتواند در میان باشد.

سوسیالیسم علمی بر ضرورت سرکردگی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری تاکید میورزد، در حالیکه سوسیالیسم نوع حزب توده در همه حال این نقش را به بورژوازی و خرده بورژوازی واگذار میکند و تا بد آنجا پیش میرود که حتی انجام وظائف سوسیالیستی را نیز برعهده خرده بورژوازی قرار میدهد، در حالیکه سوسیالیسم علمی بر تمامت میان لیبرالیسم و دمکراتیسم تاکید میورزد و وجه ممیزه دمکراتیسم را از لیبرالیسم، در اعتقاد به برجیستدن دستگاه ارتش و بوروکراسی و کلیه نهادها و ارگانهای سرکوب و استعگری کهنسه و

ارتجاعی میدانند، سوسیالیسم حزب شده این تمایزات را در هم میریزد، هم لیبیرالی را دمکرات، و هم بورژوازی را خرده بورژوا و مدافع دمکراسی قلمداد میکنند، سوسیالیسم ادعایشی حزب توده در همه زمینه ها "از سوسیالیسم علمی متمایز است. ایدئولوژی حزب توده نه ما رکسیم-لنینیسم بلکه ایدئولوژی بورژوازی است. اطلاق عامل دیپلماسی شوروی به حزب توده از سوی توده ای های شرمگین در حقیقت تشریح حزب توده و پنهان ساختن ماهیت طبقاتی حزب توده و سوسیالیسم آن است. توده ای های شرمگین ناگزیرند از سرخوردن به مسئله حزب توده طفره روند، چراکه اساسا پای سوسیالیسم و ایدئولوژی خود آنها در میان است. چنانچه اگر حزب توده استقلال طبقاتی کارگران و سرکردگی طبقه کارگر را در انقلاب انکار میکنند و آنها را بدنبال رهروی از مصدق و خمینی و غیره و ذلک سوق میدهد، توده ای های شرمگین امثال راه کارگر نیز هنگامیکه میگویند اگر شورای ملی مقاومت مجاهدین بتواند رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند، باید حتی موقتاً هم که شده طبقه کارگر دست از سازمان ندهی، برنامهمه و اهداف خود بردارد، در حقیقت همان خط مشی را پیش میبرند.

اگر امروز حزب توده میگوید همه طبقات و اقشار از بورژوازی متوسط گرفته تا طبقه کارگر باید با هم متحد شوند توده ای های شرمگین نیز با راهی از این حد فراتر نمیگذارند، و خواستار اتحاد همه کسانی که قلمی و قدمی دارند میشود. اگر حزب توده کارگران را بدنبال رهروی از سیاست و برنامهمه بورژوازی سوق میدهد، و از باصطلاح دمکراسی پارلمانی دفاع میکند، توده ای های شرمگین نیز با دفاع از جمهوری پارلمانی بورژوازی و دفاع از مومنیت ارتش و بوروکراسی همان خط مشی را پیش میبرند. بین روشن است که در اساس تفاوت ماهوی میان حزب توده و توده ایهای شرمگین وجود ندارد. "اقلیت" این حقایق را در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم ایران بازگو میکند. آیا تعجب آور است که توده ای های شرمگین نیز بمبارزه علیه ما برخیزند؟ خیر، اینان نیز خطر را بدستی احساس کرده اند، همه گروهها شی که ذکر شد بنابه ماهیت طبقاتی خود از زاویه دفاع از منافع بورژوازی نقطه ستیز خود را "اقلیت" قرار داده اند. اینان تاکنون به شیوه های مختلف بمبارزه علیه سازمان ما متوسل شده اند، زمانی به توطئه سکوت متوسل شدند و تلاش نمودند تا چنین وانمود کنند که اساسا فدائیس در

درست جنجال های تبلیغاتی علیه "اقلیت" کدام انگیزه ها و اهداف طبقاتی عمل میکنند؟

ایران وجود ندارد و "اقلیت" نیروشی نیست. این خط مشی سبزه تا مدتها پس از سال ۶۰ توسط مجاهدین دنبال شد، اما واقعیتات سرخست تر از آن هستند که بتوان انکارشان کرد، همان مجاهدان گریزید پس از مدتی سکوت فدائیان "اقلیت" را در تشریفات خود مورد حمله قرار دهد، سپس گروههای مختلف گوشیدند از طریق ایدئولوژی یک سیاسی به مقابلها "اقلیت" برخیزند، شعار همه آنها این بود که "اقلیت" "سکتاریست" است، این نظرازمسوی سازمانهای توده ای مسلک و هواداران مجاهدین بمیان کشیده شد، اما در هر تلاش برای توضیح باصطلاح سکتاریسم "اقلیت" ماهیت طبقاتی خود و دیدگاهشان را بیشتر عریان کردند، ما چرای حمله به مرکز فرستنده را دیویتی سازمان و تبلیغات همه جانبه علیه "اقلیت" را سازمان دادند، اما با زهم با شکست و رسوایی روبرو شدند و امروز دیگر میارزه همه آنها با بتنهال کشیده شده است، چیزی دیگری جز دشنام، برچسب، ردیف لانه تریسمن شیوه های بورژوازیسمی میبارزه در تشریفات آنها یافت نمیشود، این کودکان نمی فهمند که "اقلیت" فرد نیست، یک گروه سیاسی نیست، بلکه یک خط مشی انقلابی است که هم اکنون در میان طبقه کارگر و توده های مردم ایران رسوخ کرده است. اما این همه تلاش دیوانه وار و خصمانه یک چیز را در جنبش اثبات میکنند، "اقلیت" در جنبش به چنان نیروشی تبدیل شده است که بورژوازی و تمام جریانات لیبرال مسلک و اپورتونست - رفرمیست را این چنین به وحشت انداخته است. این حقایق نشان دهند و وظیفه سنگین سازمان در دفاع از منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش است. نشان میدهد که سازمان ما باید پیگیرانه تر و سرخست تر از همیشه از منافع طبقاتی کارگران، از برنامه و اهداف این طبقه، و از ضرورت تحولات دمکراتیک و انقلابی در مرحله کنونی جنبش دفاع کند.

هیچ سرکوب و تلاش دیوانه وار بورژوازی حاکم، هیچ توطئه و جنسنگ تبلیغاتی از سوی بورژوازی در ایورسیون قادر نیست، "اقلیت" را از راهی که در پیش گرفته باز دارد و آن را وادار به عقب نشینی از مواضع انقلابی

خود بنماید. مبارزه کنونی بورژوازی و سازمانهای رنگارنگ آن علیه سازمان ما یک جنگ طبقاتی است، ما از مدتها پیش به استقبال این جنگ شتافته ایم. اعتقاد به جنگ طبقاتی در سرلوحه اعتقادات ما است، اشتیاق به مبارزه، و حتمیت پیروزی جزئی از اصول اعتقادی ما است. چرا که پیروزی طبقه کارگر یک ضرورت تاریخی است. تردیدی نیست که ما برای پیروزی در این جنگ به یک ارتش نیرومند نیاز داریم. این ارتش، طبقه کارگر و توده های زحمتکش و ستمدیده مردم ایرانند. بورژوازی نیروی سازمان یافته خود را دارد، ما هم برای پیروزی خود به سازماندهی طبقه کارگر تکیه داریم. بورژوازی جنگ همه جانبه ای را علیه ما سازمان داده است. ما نیز باید هوشیاری خود را حفظ کنیم. تنها داشتن یک خط مشی انقلابی پرولتری کافی نیست، تنها اشنایی بیرحمانه تمام جریانات بورژوازی و اپورتونست کافی نیست، سازمان ما باید بیش از پیش با هوشیاری تلافی بورژوازی را خنثی کند و برای پیروزی در این نبرد پیگیرانه همیشه در جهت سازماندهی و رهبری طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش تلاش کند.

این وظیفه ایست بسیار مهم که بردوش سازمان ما و کلبه نیروهای هوادار آن قرار گرفته است. هر چه در این زمینه، کار انجام بگیرد، با زهم کم است. هر آنچه که خط مشی ما انقلابی باشد، هر آنچه که این خط مشی در میان توده های مردم رسوخ یافته باشد، ما بدون گردآوری ارتش عظیم کارگران و زحمتکشان بگرد برچسب سازمان نمیتوانیم برای جبهه وسیعی که بورژوازی در برابر ما گشوده است فائق آسیم. اما تردید نیست که هر کس به خط مشی انقلابی سازمان وفادار باشد از هیچ فداکاری و کوششی در این زمینه فروگذار نخواهد کرد. سبزه هواداران سازمان که امروز بخش وسیعی از آنها به علت شرایط سرکوب و اختناق فاقد ارتباط تنگاتنگ با سازمان هستند، باید در این زمینه تلاش کنند و با تکا، رهنمودهایی که از طریق تشریفات و رادیو سازمان داده میشود با ابتکار خویش در جهت سازماندهی طبقه منطبق با روح انقلابی خط مشی سازمان گام بردارند، و تلافیهای ما بوسانسی بورژوازی را در هم شکنند. حتی آن دسته از هواداران سازمان که ناگزیر شده اند زیر فشار سرکوب دیوانه وار ارتجاع ایران را ترک کنند، در خارج از کشور نیز میتوانند



تحارب با نهادهای نظامی

قالب پیشبرد جنگ خواسته اند نیروهای سرکوبگر را منجم کنند، توده ها را سرکوب نمایند و ارگانهای اقتدار طبقاتی خویش را استوار سازند. این امر را توده ها نیز مدتهاست در پیافته اند. اما مسئله اساسی این است که امروز تنها پی بردن به ماهیت رژیم و اهداف آن از تداوم جنگ کافی نیست. در شرایط کنونی حتی توقف به ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و اقدام عملی برای سرنگونی آن نیز بهر جهت تضمینی یعنی برطوقگیری از تکرار آنچه پس از قیام بهمن سال ۵۷ بود نیست. یعنی سرنگونی یک رژیم فاسد انقلابی و حاکمیت یک نهاد انقلاب دیگر را در غمخواران در شرایط کنونی توده ها باید با سرور مجدد آن رشته تحولاتی که به قیام شکره منتهی به ۵۷ و سپس به حاکمیت رسیدن نهاد انقلاب اسلامی انجام میدهد، نقاط ضعف و قوت مبارزات گذشته را چهره بچهره بکنند. از شکست ها و پیروزی ها بشان سبب آموزند و آموخته ها را در مبارزات قریب الوقوع خویش بکار بندند.

تحارب سالهای پس از قیام ۵۷ از آن جهت که جمهوری اسلامی با تکیه بر سر نا آگاهی بسی تجربگی و توهمات توده ها بروج مبارزات توده ای سوار شده و به قدرت غریبه تا ۳۰ خرداد سال ۶۰ و پس از آن و تا کنون که رژیم با بازیابی نیروهای سرکوبگر خود، تعرض همه جا به علیه انقلاب را از زمان ده دویست پیش برد، پس آموزش را برای توده ها در سراسر هر گاه توده های که در یک امتحان انقلابی و سپاه به مبارزه در جهت ضعیف شرایط حاکم بر جا می سرخاسته اند، دچار توهم و تزلزل شوند و سر به هوا مغرایی و همه و همه های نیروهای مرتجع سبازند، استکار عمل را دست میدهد. مبارزاتشان به انحراف کشیده میشود و انقلاب در نتیجه راه باز میماند. در چنین شرایطی فدای انقلاب که عیاره های اقتدارش از هم گسیخته و ضعیف شده است، فرصتی بدست می آید و توده ها را با سازای نموده و بسخو همه جا نهادهای تمسخر علیه توده ها را از زمان دهد.

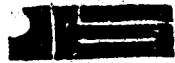
درسی که توده ها باید از قیام بهمن ۵۷ فراگیرند این است که فریب زدن به ارگانهای سرکوب و سنگری بسوزوزاری کافی نیست. باید دستگاه دولتی بسوزوزاری را در هم شکست، آنرا نابود کرده و جای آن ارگانهای اقتدار توده ای را برپا نمود. ما دام که ما شین دولتی یعنی ارگسان

سنگری سرنا به داران بر کارگستران و زحمتگشان تا نبودند، بسوزوزاری هر چند تا گزیر شود در مقابل توده ها عقب نشینی نباید هر چند بهای های حاکمیت طبقاتی است و لیزان کرده، اما تمام تلاش را برای حفظ سیاست طبقاتی خود بکار خواهد گرفت و به این منظور از حربه های گوناگونی استفاده می نماید. تجربه بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی به توده ها نشان داد بسوزوزاری آنگاه که احساس کند بهای های نظم طبقاتی موجود بر سر سرب مبارزات توده ها قرار گرفته است، به فریب و تفریق دست می یازد و شایعاتی عوام فریبانه سر میدهد. نیروهای بسوزوزاری با طرح بغض از شمارهای توده ها سعی میکنند خسود را مدافع کارگران و زحمتگشان بنمایانند تا ابتکار عمل را از دست توده ها خارج سازند تا مبارزاتشان را به انحراف بکشند و نظم سرما به داری را حفظ بکنند. چنین بود که رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از توده های مذهبی توده ها، بزده بوری آنها، بی تجربه گیشان، عدم وجود رهبری انقلابی بر جنبش، توده ها را فریب داد، خود به قدرت غریبه با سازای نهادهای نیروهای سرکوبگر، آنگاه که خود را منجم نمسود بسخو گسترده ای حمله به انقلاب را به پیش برد.

اگر امروز کارگران و زحمتگشان در شرایط بحرانی و طاقت با تری نیست به گذشته بر میگردد، اگر آن شرایط غیر قابل تحملی که در رژیم شاهنشاهی به آن نشان تحمل میشد، امروزه با رهولناک تر بر زندگیشان سایه افکنده است. این نتیجه وجود نقاط ضعف در مبارزات آنان، نتیجه توهم و خوش باوری نیست. نیروهای مرتجع و نتیجه نیمه کاره ماندن انقلاب است. توده های مردم امروز تاوان ضعف های مبارزاتی گذشته خسود را میپردازند. چرا که هر گاه که انقلاب در نتیجه راه از پیشروی بازماند، هر گاه توده ها در مبارزات گسترده خود مقاومت عمل نکنند، ما شین بسوزوزاری که نظامی بسوزوزاری را بطور کامل نابود سازند، فدای انقلاب که از مبارزات توده ها هراسان شده است تا می قوای خود را برای غلبه کردن انقلاب بکار نگیرد و بسخو و حشانه ای به سرکوب توده ها سپردا زد و ستا و ره های مبارزاتی شان را با زبسی میگیرد. بمواقع پس از هر چیزی توده ای و غیر انقلابی اگر کسی توده ها موفق نشوند ارگانهای اقتدار بسوزوزاری را در هم شکنند و تا بسوزوزاری عملت اطنی دولت بسوزوزاری یعنی اضال سنگری بنز توده ها با و خوشی بسختراز گذشته استکار می شود.

و چنین بود که رژیم جمهوری اسلامی بنا به رسالتی که در حفظ نظام سرما به داری بر عهده داشت، از همان فردای قیام تعرض خود را به انقلاب و ستا و وردهای انقلابی توده ها آغاز نمود. اما در بحبوحه قیام، که شورا انقلابی توده ها در اوج قرار داشت، آنگاه که ارگانهای سرکوب بسوزوزاری در اثر تعرض توده ها، انسجام خود را از دست داده بودند برای جمهوری اسلامی امکان پذیر نبود. بکاره ستا و وردهای انقلابی کارگران و زحمتگشان را از آنسان با زبسی بگیرد. از این رو ابتدا به ضعیف سازی نیروهای سرکوبگر پرداخت و سپس تعرض همه جا به توده ها را از طریق راه آغاز نمود و پیش منظمی از این ضعیف سازی سازمان نیروهای سرکوبگر را در سبب جنگ ارتجاعی و به بهانه آن انجام داد.

اما توده های مردم اگر چه پس از قیام بهمن نتوانستند به خواسته های انقلابیشان دست یابند و نهاد انقلابی دیگر بر مقدرات آنان حاکم گشت، امروز کولسه با ری از تجارب را با خود دارند، توده های مردم ایران امروز همان نیستند که در سال ۵۷ بودند. سرنگونی رژیم شاه بقدرت هزینه جمهوری اسلامی و روند تحولات در ۸ سال پس از قیام در سبب گرانگیزی را برای کارگران و زحمتگشان ایران در بر داشته است. از این رو این بار که بسرای سرنگونی نهاد انقلاب اسلامی بها خاسته اند، دچار توهم و زود باوری نخواهند شدند. نیروهای سیاسی را با ملنگر گشان محسک میزنند، اسیر وعده و وعیدهای دروغین نیروهای بسوزوزاری که از هم اکنون بسرای به انحراف کشاندن مبارزات توده ها و به جنگ آوردن قدرت سیاسی غیبر برداشته اند نخواهند شد. توده ها با تجاربسی گسسه از قدرت گیری جمهوری اسلامی، خصم بسوزوزاری نیروهای سرکوبگر و بسبب تعرض همه جا به رژیم به انقلاب بدست آورده اند، به همه در پیافته اند تنها نابودی ارگانهای اقتصاد بسوزوزاری، نابود کردن دولت بسوزوزاری و ابزارهای سرکوب آن و برپائی ارگانهای اقتدار توده ای است که میتواند پایداری بسوزوزاری آنان در نبرد با جمهوری اسلامی را تضمین نماید. و آن بسوزوزاری و ما شین آن - در هر لحافه و بسا هر توجیهی - است را دشمن خود میدانند. توده های مردم در مبارزات گسترده و بردا من قریب الوقوع خود با بکارگیری تحارب عظیم قیام بهمن ۵۷ و حاکمیت فدای انقلاب اسلامی میروند که بسوزوزاری و ارگانهای بسوزوزاری محسک نظامی آن را به گور سپارند.



تنظیم شود. بگه‌نرای همه روشن و فاسل قبول باشد و به اصول اساسی کمونیسم وفادار باشد، مارکسی این مهم را بسا مهارت و درایت بی نظیری انجام داد. خطابه افتتاحیه شرایط ظالمانه زندگی کارگران در نظام سرمایه‌داری را شرح میدهد، ممتنکر میشود که دست آوردن قدرت سیاسی با بستن اولین و طبقه طبقه کارگر باشد. علاوه بر این، بین‌الملل با مراحت برصفت بین‌المللی جنبش طبقه کارگر تا کید میورز و میگویند: "رهاش کارته امری محلی و نه ملی، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است که تمام کشورهای دارای جامعه مدرن را در بر میگیرد و حل آن بستگی به اتحاد عملی و نظری پیشرفته ترین کشورهای دارد." بیانیه اعلام میدارد: "واقعیت سیاسی است که رنج های فزاینده‌ای کارگر از سال ۱۸۴۸ تا سال ۱۸۶۲ کاهش نیافته و با این حال این دوران از لحاظ رشد و تکامل صنایع و رشد تجارت بی نظیر می باشد."

آنهایی که سالها پیش از آریستون پیش بینی کرده بودند که با توسعه صنایع فلز خونخوار از بین خواهد رفت کما ینلا در اشتباه بودند. از این رو خطابه بسا قاطعیت اعلام میدارد: "رهاش طبقه کارگر باید دست خود طبقه کارگر صورت بگیرد. مبارزه برای رهاش طبقه کارگر به معنای مبارزه برای امتیازات و انحصارات طبقاتی نموده، بلکه مبارزه برای حقوق و وظائف برابر و اناناء کامل طبقه‌های است."

همچنین خطابه بر روی آریستون فرودت که طبقه کارگر با بدای سیاست خارجی مختلفی باشد، تاکید میورزد. "اگر رهاش فزاینده‌های طبقه کارگر مستلزم اتحاد سراسر ادراخه آنها است، بطور متواضعی یک سیاست خارجی مبتنی بر نقشه‌های جناحکارانه سرمایه‌داران که تمصبات ملی را مورد استفاده قرار میدهند، و در جنگ‌های فارتگران زندگی مردم و امکانات جامعه را بر باد میدهند، این ما موریت بزرگ را به انجام رسانند؟"

از این رو بین‌الملل اول همسه کارگران جهان را علیه جنگ‌های جهانی و فارتگران به مبارزه طلبید. انترناسیونال اول به رهبری مارکسی و همزمنش انگلیسی‌نشان آریستون اتحاد مومستقی بین‌المللی کارگران و نیز فدنظری و ملی جنبش طبقه کارگر ایفا نمودند و فالتو اتحاد جاودانه

زنده باد

انترناسیونال کمونیستی

پرولتاری سراسر جهان را پایه گذاشتند. بهنگام تأسیس بین‌الملل اول در ۱۸۶۴ سرمایه‌داران اروپایی توجیهی به آن نشان ندادند. مطبوعات بورژوازی بعضی متوجه خاص آن شدند. برخی از آنها میورز و میگویند حتی میورز میگردند که میتوانند از آن استفاده سیاسی میکنند. اما این صاف فرصت طلب میورزی هستند که بین‌الملل کار خود را آغاز کرده و توجیهی اشتباه خود کردند. سالهای اول بین‌الملل، دوران اتحاد با تاسیاری بود و بی ترمید بین‌الملل آنها را با نیرومندی رهبری و هدایت نمود. از این رو فدنظری همسه سرمایه‌داری در اولین اقدام، طبقه بین‌الملل دست به پیگرد فالتو بین‌الملل زدند. اما بین‌الملل در خردمانیت‌های اقتصادی و سیاسی خود سرست رفتی خود و پیگردهای "پلیسی روز افزون نمیتوانست مانع پیشرفت آن شود. اهمیت تاریخی اولین انترناسیونال این است که کسه اهداف ملی طبقه کارگر، مسئله قدرت سیاسی، مبارزه اقتصادی و سیاسی، تاکتیکها و فرسه را در مقابل پرولتاریای جهان گذارد و اهمیت سازمان سیاسی طبقه کارگر و نقش حزب را روشن کرد.

مارکسی و انگلیس برخلاف تمام سراسر جهان تا آن فزاید میورز و میگویند که بین‌الملل انترناسیونال نیز حضور داشته، تمام سیاسی نظرات بندها را به تارکته ناموسیا لیم ارائه میدهند. و سوسیا لیم را بر یک پایه ملی استوار نمودند. آنها مملکتهای اقتصادی - نظامی سرمایه‌داری کسه توده‌های کارگران استقامت میکنند و همین حال آنها را متفکلی می نشاند و میورز سوسیا لیم را الزام آوردی سازد. آشکار ساختند. آنها نشان دادند که کارگران پرولتاریای خارجی نظام سرمایه‌داری می باشند و تنها پرولتاریا میتواند توده‌های فتنیتم را فالتو به رهبری، دمکراسی و سوسیا لیم رهبری کند. پس از تشکیل اولین انترناسیونال که خود در واقع اولین حزب جهانی طبقه کارگر بود احزاب منتقد به تفرقی مارکسیسم و دفاع سوسیا لیم علمی در اروپا تشکیل شدند. اولین حزب سوسیا لیمیتی که به بین‌الملل اول پیوست حزب سوسیا لیمیت آلمان به رهبری لینگت و بیبل بود. هر

دوی آنها از کارگران مارکسی و انگلیس و از مارکسیستهای رزمنده بودند. روحیه انقلابی و رزمنده حاکم بر حزب سوسیا لیم سوسیا لیمت از سخنرانی علمی لینگت

در سال ۱۸۶۹ که به خاطر آن زندانی گردید آشکارا است. او گفت: "سوسیا لیم دیگر یک مسئله مربوط به تفرقی نیست بلکه مسئله مربوط به قدرت سیاسی است و مانند تمام مسائل مربوط به قدرت آن رانه در پارلمان بلکه فقط در کوچه و خیابان، در زمینان فزاید میورز و میگویند "بدین سان "جنبش کمونیسم" بین‌المللی آشکارا فدنظری شده بود و بسا رزمه جهت شیل بدان در دستور کارخانه سوسیا لیم کارگران رزمنده و انقلابی قرار گرفتند بود. بین‌الملل به رهبری مارکسی، نقش بسا رفالی در تحطیل مسائل سیاسی جهان نیز داشت. هنگامیکه جنگ فرانسه و آلمان آغاز شد، علاوه بر اینکسسه پیش‌بینی این جنگ فارتگران را کرده بود در آغاز جنگ، کارگران را به همستکی بین‌المللی دعوت نمود و عامل جنگ را دولت‌های سرمایه‌داری دو کشور اعلام کرد. در سال ۱۸۷۱ هنگامیکه پرولتاریای فرانسه بسا عاقت و قدرت طبقه کارگر را به نضایش گذارد و اولین حکومت کارگری "کمون پاریس" بنمت پرولتاریا و فرانسه برپا گردید، بزرگترین دست آوردی و لیسن انترناسیونال آفریده شد. کمون پاریس شکل اساسی جامعه نوینی را که بسا بسا جا بگزین سرمایه‌داری شود بنمت داد. تجربه کمون به روشنی نشان داد که بعد از آنکه کارگران سرمایه‌داران را شکست دادند و قدرت سیاسی را بشیر نمودند، میبایستی دولت خودشان را برپا کنند. اگر چه این دولت از نوع جدید است. کمون نشان داد که راه رسیدن به قدرت بسا برای کارگران، بازرگان نمونه تهرامیس رزمی های ارتجاعی میباید. درس مهم کمون این بود که پس از کسب قدرت سیاسی توسط کارگران میبایستی ماشیسن بورکراشیک - نظامی را فزاید و توده‌های مسلح نامن بقای پیروزی طبقه کارگر خواهند بود.

پس از کسب کمون بین‌الملل اول در کشورهای مختلف اروپا با پیگرد پلیسی روز افزونی، روبرو شد کمون طبقه کارگر میورز و میگویند "سوسیا لیمیت" به توجیهی تصمیم گرفتند تا به بدای فدنظری و فالتو سیاسی شوند.

اما بحران داخلی بین‌الملل اول



متحدین پرولتاریای ایران در عرصه بین‌المللی

خط مشی و فقط این خط مشی بدون استثنا در تمام کشورهای است. این بدان معناست که انترناسیونالیسم با تلاش در جهت توسعه جنبش انقلابی در کشورهای و پیشانی از جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در تمام کشورهای مرتبط است. اما نمیتوان انترناسیونالیست در گردا و پیوسته با گروها با روح حقیقتاً خود انترناسیونالیستی پرورش داد و به توسعه جنبش انقلابی متحد زمانه مگر آنکه دشمنان و خصم واقعی آنها را پرولتاریای بود و علیه پرولتاریای تمام اشکال تجلی آن مبارزه کرد. پس با به این درک لینیستی از انترناسیونالیسم است که ما را با هم پیگیراننده مبارزه ما پرولتاریای و طبقه‌های گوناگون آن در جنبش طبقه کارگر بر دایره وسیع تمام جریانات پرولتاریست و جمهوریخواه لیسان در مارکسیسم - لنینیسم مرزبندی نموده است. این درک از انترناسیونالیسم مبتنی بر یک سیاست خارجی است که بر اساس آن لنین سیاست خارجی یک دولت با سازمان پرولتاریائی را از اتحاد با انقلابیون سراسر جهان اعلام میکند.

این انحرافات در محدوده یک مبارزه ایچتولوزیک در درون جنبش کمونیستی است از اینرو ما در همین حیطه مواضع خود دفاع قاطع از این مواضع و مبارزه با انحرافات ایچتولوزیک - سیاسی موظفیم در همه جا اردوگاه سوسیالیسم را متحده خود بشناسیم. وقتاً طعنه در برابر اردوگاه امپریالیسم و ارتجاع از آن دفاع کنیم. هرگونه عدول از این سیاست از یکسو بمعنای ترغیبین به مواضع پرولتاریستی راست و از سوی دیگر ترغیبین به ناسیونالیسم و حتی شوربیمسی خواهد بود که مدافعین احیاء سرما به داری در شوروی در همه جا بدانند و پاره شده اند. روشن است که یک چنین مواضعی عملاً پشت کردن است به انترناسیونالیسم بخیا ننده طبقه کارگر و تقویت مواضع امپریالیسم در عمل است. ما با بدیهیستة تلاش کنیم با سیاست و پیوندهای خود را با این سه نیروی مظلوم انقلابی جهانی تقویت نمائیم و پیوسته انترناسیونالیستی خود عمل کنیم. رفقای هوادار سازمان با بدیدر کلمه فعالیتها و انقلابی خود را از این سیاست جدا نکنند. فعالیتها و انقلابی خود را از این سیاست جدا نکنند. فعالیتها و انقلابی خود را از این سیاست جدا نکنند. فعالیتها و انقلابی خود را از این سیاست جدا نکنند.

تحولات پس از انقلاب اکتوبریست کزفتن قدرت توسط کارگران تصدای. از کشورهای بویژه پس از جنگ جهانی دوم و بهدایت یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی سه نیروی انقلاب جهانی یعنی اردوگاه سوسیالیسم، پرولتاریائی کشورهای سرما به داری و جنبش جهانی رهائی بخش طبقه‌های تحت تسلط از ابتدا به یک جریان واحد انقلابی. فدائینگریاییست. در مقابل روز افزون خواهد انقلاب جهانی قرار داد و هر سازمان انقلابی و دولتی انقلابی، اتحاد، همکاری و همبستگی با این سه نیرو را معنای سیاست خارجی خود قرار میدهد. این همان سیاست خارجی است که فریاد همه سازمانها ما نیز ضمیمه عنوان اتحاد و همکاری با اردوگاه سوسیالیسم، جنبش انقلابی پرولتاریائی کشورهای سرما به داری و جنبشهای رهائی بخش طبقه‌های تحت تسلط فرمولبندی شده است یکی که این سه نیرو را به یک نیروی انقلابی جهانی و پیوسته پیوسته جریانی واحد انقلابی بخیا ننده امپریالیستی متحده پرولتاریای ایران نشان میدهند. یک انترناسیونالیست بلکینبه پیوسته ناسیونالیست است تا اینکه سازمانها با سیاست کنگره‌های ۹۰ و ۲۲ بطور قاطع مرزبندی دارند و با انحرافات کشورهای سوسیالیستی مبارزه میکنند. هیچ وجه تالی برسمیت شناختن اردوگاه سوسیالیسم مبتنا به متد طبقه کارگر نیست. مبارزه ما با

بمرا تیب خطرناک تر از تعقیب پلیس بود و بعد از شکست کمون عمیقتر از هر زمان دیگری شده بود. اما این بحران را مبارزه شدید بین مارکسیست‌ها و با کونیست‌ها

تشکیل میداد. پرولتاریائی و آنارشیستها کمربه نابودی بین الملل اول بستند بودند. همچنانکه بورژوازی خواهان آن بود. اگرچه مارکس بر روی متشکل شدن کارگران کشورهای مختلف در احزاب سیاسی و شرکت آنان در فعالیت سیاسی تاکید میکرد. با کوشش و آنارشیستها به اقدامات خودمختاری خودگردانی محلی و مختاریت روی آورده و لنین پرولتاریا و غزده بورژوازی را تکیه گاه اقدامات خود کرده بودند. آنها با تصمیمات متمرکز انضباط بولادین پرولتاری و رهبری متمرکز که بر اساس مسائلات کنگره و اصل افسانه نابپذیر مارکسیسم یعنی تا انحرالیستیم دمکراتیک اتحاد میشد مخالفت میکردند و خواهان مختاریت، هرج و مرج و بی نظمی در مقابل متمرکزیت بودند. آنها مارکس را

زنده باد

انترناسیونالیسم پرولتاری

به دیکتاتوری مشم میگردد. همانگونه که رسم تمامی پرولتاریستهای تمامی جهان در مورد مسائل تشکیلاتی است. با کوشش و پیروانی با مختاریت است. بی برنسیبی و سی انضباطی غزده بورژوا - منشا نه خودمختاری متدینش جهانی طبقه کارگر که مارکس و انگلس با توسل به اصول متمرکزیت دمکراتیک، انضباط آهسته و آگاه کمونیستی بنیان گذار و حاصل جاهدان آن بودند. انحرافات کفایت و مختل سازند. برانجام در ۲ سپتامبر ۱۸۷۲ در کنگره پنجم که در لاهه تشکیل شد و مارکس و انگلس برای اولین بار حضور پیدا نمودند در آن شرکت کرده بودند. شورائی متمرکز بین الملل به پیشنهاد انگلس پیوسته متمرکزیت نقل مکان نامه شد. در سال ۱۸۷۶ پس از تشکیل حزب مارکسیستی در

آمریکا و ایجاد سازمانهای سیاسی مارکسیستی در کشورهای اروپائی پس - الملل اول کارگران منحل گشت. جورج تاکر مارکس بنام اعلام بیانیه انحلال بین الملل در فیلادلفیا در میان حزن و اندوه هزاران کارگر جهان فریاد برآورد: "زنگنه! شامل بین الملل را با قلب و روح خود پذیرفته‌اید، رفقای آمریکا! قول میدهند که با ولسا هاری دستاوردهای بین الملل را در این کشور حفظ نموده و گرامی بدارند تا اینکه شرایط مساعدتری کارگران تمام کشورهای را برای مبارزات مشترک بدور هم جمع نمایند. این فریاد مارکسی بلندی از پیش با ردیگر شنیده خواهد شد. پرولتاریای تمامی کشورهای متحدین مسرتند."



یادداشت‌های سیاسی

بمناوان نیروی دخالت‌گری که منبسط
سرما به ورژیم های سیاسی منطقه را بطرف
اندازه عمل نقوا هکورد و از ایندانیز
چنین لغوی رانداخته است درحقیقت
خامنه‌ای امرارداخت که به قدرتهای
امپریالیستی بلخامکنه پذیرش قدرت
جمهوری اسلامی از سوی آنان و رسمیت
بخشیدن به آن در منطقه دازای همسان
محاسنی برای غرب خوا هیدوکه زمانی
رژیم شاهنشاهی دازا بود که جمهوری
اسلامی همان نقش زاندارمی رادر منطقه
میخواندایفا کند که شاه میگرد منضمی در
پوشش فرهنگ اسلامی این اولاد ووم اینکه
نشان دهد منجک به تشبیت جمهوری اسلامی
کنک کرده و این رژیم خواسته است که
خود را تشبیت کند و انقلاب را سرکوب نماید
و حال ادا مه بقا رژیم با وجود بحران
اقتصادی و ادا مه جنگ نیاز به حمایت
امپریالیستها از این قدرتی دارد که
خوانده است توانائی خود را در تشبیت
شدن آنهم در شرایط کاملاً بحرانی به
اشیات برساند.

خامنه‌ای با این دو هدف
امپریالیستها را مخاطب قرار داد و در برده
برشردن اشتباهات امپریالیستها در
حقیقت به بیان تضمین های لازم از سوی
جمهوری اسلامی در جهت منافع این قدرتها
در منطقه پرداخت و در همین حال به آنها
توصیه کرد که با توجه به شرایط بحران
انقلابی به اقداماتی متوسل نشوند که
سبب رشد جنبش توده‌ای گردیده و هم منافع
امپریالیستها و هم جمهوری اسلامی بخطر
بیافتد البته خامنه‌ای خود میداند که
امپریالیستها آنقدر دارای تجربه
هستند که دست به اقداماتی نزنند که سبب
گسترش اعتراضات توده‌ای گردد اما در
این زمینه با منتهای اما با جلب حمایت
بیشتر امپریالیستها برای بر سر
شناختن قدرت تشبیت شده جمهوری اسلامی
را مد نظر داشت و نظراتی که از این
سبل انگاری میتواند دانستگیر آنها شود
بر این مناسات که خامنه‌ای
اشتباه هم امپریالیستها را در رابطه با
جنگ و جمهوری اسلامی بیان میکند که
عبارتند از: اول تصور غلط در مورد موضع
شما جمهوری اسلامی در منطقه؛ دوم
حمایت امپریالیستها از رژیم عراق که
ماندنش نیست و عدم درک واقعی در مورد
اینکه رژیم جمهوری اسلامی یک قدرتی

تشبیت شده است و با لاف و سوم تبلیغات ضد
جمهوری اسلامی را نه‌های قدرتها استکباری که
سبب میشود مردم به تردید بیافتند و
همچنین ترغیب لیبزها و حمایت از آنان
خامنه‌ای در مورد اول یعنی تصور
غلط قدرتهای استکباری در مورد موضع
تخاصی جمهوری اسلامی به بیان توضیحی
بمعنی تپیر داده ولی آن تضمین میکنند
که در صورت فشارهای قدرت جمهوری
اسلامی هیچ تخاصی از سوی این رژیم در
منطقه که منافع غرب را بخطر نیندازد
حورت بنخوا هکورد خامنه‌ای گفت: اولین
اختیای که استکبار جهانی در این ۶ سال
گذشته و قبل از آن مرتکب شد این بود
که فکر کرد انقلاب ایران ممکن است یک
جنبه تخاصی و تخریبی به خودش بگیرد...
این یک اشتباه بزرگ بود بطرفی و این
اشتباه خوب است تکرار نشود خامنه‌ای
بر روی این مسئله به توضیح مکت میکند
تا جایی که نشانش حالت ترغیب آمیز
می باشد وی گفت: ما کی خواسته بودیم
سیستم سیاسی خودمان را سیستم حکومتی
خودمان را به یک کشور دیگری اعم از عراق
یا غیر عراق تحویل بکنیم؟ اگر جنگ
راه نمی افتاد این جور نبود که ما سیستم
سیاسی خودمان را بر عراق و یا کشور دیگری
تحویل میکردیم این اشتباه بود که
استکبار کرد ما این کار را نیکردیم
جنگ هم که نبود میگردیم جنگ هم که
شام شد با هم نمیکنیم

خامنه‌ای با این ترتیب تلاش کرد که
در برده با اصلاح اشتباه تصور آمیز
امپریالیستها نسبت به اهداف جمهوری
اسلامی به آنها تضمین بدهد که برخلاف
منافع غرب در منطقه دست به عملی نخواهد
زد و قدرت جمهوری اسلامی در جهت تشبیر
سیستم سیاسی رژیم های منطقه که با
امپریالیستها در پیوند است بکار برده
نخواهد شد و از این لحاظ صلاح و مصلحت
این قدرتها در آن است که نقش زاندارمی
جمهوری اسلامی را پذیرا گردند
اما امپریالیستها بر عکس آنچه که
خامنه‌ای میخواهد و انموده سازد در استفاده
از جنگ و جمهوری اسلامی در جهت منافع خود
به هیچ وجه دچار اشتباه نمیدانند
امپریالیستها بر کردگی آمریکا با
دامن زدن به جنگ های منطقه‌ای، بحرانها
خود را تبدیل میکنند با زار فروش اسلحه را
گسترش میدهند و با نابودی نیروهای مولده
وانکانات جامعه زمینه‌های سیاسی
سرما به گذاری های بعدی را هموار میکنند
امپریالیستها از جنگ ارتجاعی ایران و
عراق کمالی استفاده را نمودند با زار

فروش اسلحه ، نه فقط در بین دو کشور درگیر
در جنگ بلکه در کل منطقه بشدت گرم شد.
هرستان ، کویت ، اردن و غیره به خرید
سلاحهای جدید پرداختند با قوام با فتن
شورای همکاری کشورهای خليج بر سر
جنگ ایران و عراق ، امپریالیسم با نگاه
خود را در منطقه مستحکم تر کرد ، انکسنت
فلسطین بدون پشت جبهه باقی ماند و
تضعیف گردید . طی ۶ سال امپریالیستها
موضع خود را تقویت کردند و موضع اقتصاد
جامع شوروی هر چند بیشتر تضعیف گردید
بر سرتر جنگ ارتجاعی منطقه بشدت
میلیتاریزه شد و اقتصاد دکتورهای منطقه
هر چه بیشتر با اقتصاد قدرت همسان
امپریالیستی گره خورد .
زاندارمی رژیم شاهنشاهی در
منطقه نتوانسته بود چنین برکات و غیراتی
را برای امپریالیستها به بار آورد . پس
تحت شرایط کنونی چه نیازی به پذیرش
زاندارمی جمهوری اسلامی است؟
امپریالیستها باقی نمانند؟ مضافاً اینکه
امپریالیستها زمانی ایفای نقش
زاندارمی جمهوری اسلامی را نخواهند
پذیرا باشند و آن را به رسمیت بشناسند که
اولاً با یک رژیم تشبیت شده روبرو باشند
و مضافاً سیاستهای آن رژیمتوی آن رژیم
سبب اغلال در عملکرد سرما به در منطقه
نشود . رژیم جمهوری اسلامی با وجود آنکه
خامنه‌ای تضمین های لازم را در این موارد
به قدرتهای امپریالیستی میدهد اما
این تضمین نیست ، از همین روست که
خامنه‌ای نیز در بیان اشتباهات دیگر
امپریالیستها به این مسائل باز میگردد
تلاش میکنند که اشکات کند اولاً سیاست
خارجی جمهوری اسلامی یک سیاست
آنا رژیستی مزاحم برای امپریالیستها
نیست و ثانیاً اینکه این رژیم تشبیت
شده و صلاح قدرتهای استکباری در آن است
که دست از حمایت عراق بردارند .
خامنه‌ای در این زمینه گفت : " قدرتهای
استکباری هر بار با یک اشتباه در معاشه
بناک بی دقتی سعی کرده‌اند تا تجهیز و تسلیح
عراق مانع از این بشوند که او را لظ بشود .
آن اشتباه این بود که گفتند ما رژیم
میگردیم که اگر ایران به روز مندی یک قدرت بزرگی
خواهد شد و دیگر هیچ چیز نمیتواند جلوی او را
این قدرت باشد و این به نظر ما یک
اشتباه دومی است که استکبار جهانی و
تحلیل گران سیاسی اش دارند مرتکب
میشوند . ما ما بلیم که استکبار جهانی
این اشتباه را دیگر ادامه نداده . این



یادداشت‌های سیاسی

۲- افزایش حضور امپریالیسم در منطقه خلیج فارس

اشتباه روشنگرانه، از عراق حمایت نکند، عراق ماندنی نیست...
وبالاخره ائتلاف سعودی که خانه‌های ازان باد میکند ائتلاف قدرتهای استکباری در شیوه تبلیغات آنهاست که میگوید...
میخواهند مردم را نسبت به جنگ مسرود کنند و به نوعی عقاید لیبرالها همانند نیست آزادی راهم از بلندگوهای خود پیش کنند.

خانه‌های در این زمینه گفتند: یکی دیگر از اشتباهاتی که باز قدرتهای استکباری و وابسته به او آنها و دوستان او آنها دارند در همه جا مرتکب میشوند، که سعی میکنند با تبلیغات خودشان ملت ما را متوکلین ما را در راه این مفاومت مورد کنند. این به نظر من جزء بزرگترین اشتباهاتی است که دارند انجام میدهند. خانه‌های با وجودیکه باها هو دم از شصیت زد، اما خود به خوبی واقف است که تخطی در کار نیست و میدانند که این نکته است که امپریالیستها نیز به آن واقفند، خانه‌های میدانند که تحت چنین شرایطی حتی یک مدای اعتراضی و بسی انتقادی از بلندگوهای امپریالیستی زمانی که توده‌ها بطور کامل سرکوب نشده‌اند و انقلاب کامل شکست نخورده است، نشانه بی اعتمادی امپریالیستها نسبت به شصیت رژیم معنای می‌باشد. و این با سیاست رژیم در تلافی قرار دارد. با این وجود امپریالیستها نیز دقیقاً از همین زاویه است که میخواهند تمام سرمایه‌گذاری‌های خود را بر روی رژیم قرار دهند که شصیت نشده است و احتمال سقوط آن امری کاملاً محتمل است.

رژیم جمهوری اسلامی خواهان برعکس شناخته شدن قدرتش در منطقه و شصیت اش در داخل از سوی امپریالیستها است. امپریالیستها، ما قایل از برعکس شناختن نقش ژاندارمی جمهوری اسلامی در منطقه خواهان قدرتی است که یک دست و شصیت شده هستند. و همان انقلابی، لیکن خواست رژیم و امپریالیستها را بی پاسخ گذاشته. و توده‌ها با پاسخی انقلابی تمامی تورات امپریالیستها و رژیم را کفش بر آب می‌سازند.



در آخرین هفته این ماه منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند جولانگاه رفت و آمد سمران و کارگزاران امپریالیستهای جنگ طلب بود. از سوی کاسپروا این برگر و وزیر جنگ امپریالیسم آمریکا به گشت و گذار در کشورهای منطقه اقیانوس هند پرداخت و از سوی دیگر وزیر جنگ امپریالیسم فرانسه میهمان مرتجعین عربستان سعودی شد. امپریالیسم آمریکا و این برگر رابه هندوستان و پاکستان فرستاده تا با مذاکره در باره تسخیر و تبلیغات نظامی به آنها هم جنبه سرما به داران مالی - نظامی را بر شروهم با تشدید میلها ترسیم در منطقه، جنبش انقلابی توده‌ها را خون بار ترس و کوب نماید. و این برگر بی از مذاکرات خود با مرتجعین پاکستان اعلام کرده که پاکتان برای روبروشی با دولت افغانستان احتیاج به رادارها، هواپیماها و تکنولوژی نظامی پیشرفته دارد و از این روادارها و برنده سووم به آواکس جنگنده است افکنان ۱۶ و سایر وسایلی پیشرفته را اختیار رژیم پاکستان میگذارد. بدین طریق امپریالیسم آمریکا در نظر دارد با فروش تبلیغات نظامی به ارزش ۲ میلیارد دلار به پاکستان ثروت هنگفتی را که حاصل دسترنج کارگران و زحمتگشان پاکستانی است بر باید. البته این علاوه بر پیساول بی گزاشی است که از طرق مختلف از جمله از طریق وامهای امپریالیستی با بهره‌های سنگین انجام میگردد.

امپریالیسم فرانسه نیز در شرایط بحران عمیق اقتصادی جهان سرما به داری، خواهان بهره بردن و چپاول از جوان بیخفا در منطقه می باشد و برای عقب نشاندن از رقای امپریالیستی اش در منطقه تبلیغاتی اندر ژیمرو و وزیر جنگ فرانسه را راهی عربستان سعودی کرده تا بیخفا بررسی مسائل و نیازهای کاذب نظامی آن کشور با فروش تبلیغات مرکب از فرانسوی بخرج زحمتگشان عربستان امپریالیستها و مرتجعین عربستان را باز هم بر شرو نماید. تاکنون دولت فرانسه در زمینه تبلیغات هوایی و دریایی چندین قرارداد بسیار مهم با رژیم اسلامی عربستان سعودی بسته است. طبق آیین قراردادها عربستان سعودی با خرید هلی کوپترها، موشکها و رادارهای پیشرفته فرانسوی علاوه بر حفاظت از سواحل خود

حراست از منابع امپریالیست ها را نیز عهده دار گشته است. مسافرت اخیر وزیر جنگ فرانسه به عربستان سعودی با توجه به تشدید جنگ ارتجاعی ایران و عراق و سیاست جنگ افروزان امپریالیستها از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. مسئله تشدید میلها ترسیم و حضور هر چه بیشتر ناوگانهای جنگی امپریالیستها در منطقه ها و ریمان و خلیج فارس به امپریالیسم آمریکا و فرانسه محدود نمیشود.

امپریالیسم انگلستان نیز علاوه بر فروش طلا دیر بسیار هنگفتی تبلیغات نظامی به کشورهای منطقه، از کویت گرفته تا عربستان سعودی و عمان به حضور نیروهای خود در خلیج فارس حالت فعال شری داده است. امپریالیسم انگلستان اعلام کرده برای ارزیابی قدرت شهابی و توانائی حضور سریع در منطقه دریا، آینده و سامانها یک مانشور نظامی دریا شوی هواشی با شرکت ۵۰۰۰ تن از سربازان نیروهای اقدام سریع بریتانیا و نیروهای سرکوبگر عمان انجام میدهد. همچنین کارگزاران امپریالیسم ایالتی، در کویت سرگرم مذاکره در باره تسخیر و تبلیغات نظامی به آن کشور بودند و وزیر جنگ کویت اعلام داشت برای تکمیل مذاکرات هشتی از کویت به رم خواهد رفت تا بررسی های پیشتری در مورد خرید تبلیغات از ایالتها انجام گیرد. به علاوه وزیر جنگ کویت چندین پیش نیز دیداری با سران ترکیه داشت و در مورد خرید تبلیغات مذاکراتی انجام داد.

مذتهاست که منطقه خلیج فارس شاهد حضور فعال و هم افزون نظامی امپریالیسم آمریکا می باشد. حضور امپریالیسم آمریکا بویژه پس از آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و گسترش جنگ به خلیج فارس و اعزام رژیم سعودی اسلحه و رادار به آن، شدت یافته است و به برکت همین جنگ ارتجاعی ایران و عراق است که بزرگترین سودهای ممکن نصیب سرما به داران مالی - نظامی گشته است. سیل رادارها، دلار از ثروت کشورهای منطقه خلیج فارس که بطور مستقیم درگیر جنگ ایران و عراق نیستند بسیاری کمیاشی های اسلحه سازی سرازیر گشته است و این علاوه بر سودهای چند میلیارده دلاری است که امپریالیستها و همچنین

تحولات سیاسی اخیر در ...

شد نتایج خود را بسیار آورد. با اتکاء به این سیاست است که دست بهنگا می‌کشد. چنین سطر میرسد که این جنبش در اوج قیامت خود قرار دارد، در واقع در ضمیمه شریفین موقعیت خویش است، چرا که بر اساس اندک معالجات میان دولت‌های که به این سازمان‌های سیاسی کمک میکنند، و آنها را تقویت می‌نمایند، بسرعت از هم میپاشد. در اینجا بحث بر سر آنست که چرا زودتر از تفاهات موجود نیست، بلکه مسئله در این است که در جنبش خلق کرد به استقلال اقتصادی و اجتماعی که پیش از این توضیح دادیم، از آنجا که نمیتوانند یک رهبری پرولتری محلی وجود داشته باشد که صحنه این جنبش را رهبری کند، چون کارگران کرد طبقه کارگر کوردستان را تشکیل نمیدهند، بلکه خود جز تشکیل دهنده طبقه کارگر ایران، عراق، ترکیه و سوریه اند، و در کنار کارگران ملیتهای دیگر و کشورهای فوق الذکر طبقه کارگر واحد سراسری را تشکیل میدهند، لذا سازمانهای محلی و منطقه‌ای کردها را در چهار کشور اساساً سازمانهای بورژوازی و

خرده بورژوازی هستند که ذاتاً ناپیگیر، ناتوان و سازگارند. از اینرو هنگامیکه در راه جنبش قرار میگیرند و به منظور تقویت خود به تفاهات منطقه‌ای متکی میشوند، بعضی استفاده از این تفاهات خود عملاً در این تفاهات محل میگردند و تبدیل به رانده، یک وجه خفا میشوند. از همین روست که این واقعیت مسلم مدتهاست محت خود را به اشیا و ریاضات رسانده است که تنها با پیروزی طبقه کارگر در این کشورها است که طبیعت خود را می‌تواند به حقیقتش برنویشد، خویش را با بدو همسج سازمان محلی و منطقه‌ای نمیتواند این جنبش را به پیروزی در برساند.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد تمایز و تمایزات این اتحادیه میهنی کردستان را بطریق آینه‌نگار بدستی گوشه‌دار استقلال خویش را نسبت به تفاهات موجود حفظ کند، زیرا انجام در راهی گام گذاشت که قیامه وقت از همان بر دای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی در پیش گرفت، با این سیاستها اتحادیه میهنی پیش از بسببش سر نوشت خویش را به سر نوشت جمهوری اسلامی و سر نوشت خلق کرد را به مصالحه‌های آینده گره میزند. در راستای تعقیب همین سیاست نیز باید تمیز اتحادیه میهنی با

سازمانهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی را توضیح داد. در مورد علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اقدام نمود. امروز علیه سازمان مجاهدین، و قضا فردا و پس فردا علیه دیگر سازمانهای سیاسی. در اجرای حمله مسلحانه به مرکز فرستنده را بهوشی سازمان ما گفتم که بزودی ایما دو عواقب مناسبات نزدیک اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی روشن خواهد شد. امروز صحت این گفتار را قائل برای برخی از سازمانهای سیاسی ایران روشن شده است و چیزی نخواهد گذشت که عواقب دیگر این سیاست نیز آشکار گردد. آنچه که در این میان به سازمانهای سراسری ایران مربوط است، آنها چندان اشکالی به منطقه مرزی کردستان ندارند که اتحادیه میهنی بتواند آنها را از دامه فعالیت آنها علیه جمهوری اسلامی گردد، بنابراین داخل ایران علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد و بی هیچ تردیدی جمهوری اسلامی بدست توده‌های مردم سراسر ایران سبگون خواهد شد. آنگاه کسانی در برابر توده‌های مردم ایران سزا فکند خواهد بود که آنها دست اتحادیه میهنی جمهوری اسلامی دراز کردند که به رود روشی مستقیم با سازمانهای سیاسی ایران برخاستند.

یادداشت‌های سیاسی

صهیونیستها، از فروش طلعه به رژیم‌های ایران و عراق به جیب زده اند و با مسامحت بی‌گروانی که به صنایع هردو کشور وارد آمده است امپریالیست‌ها چشم انداز غارتگری‌های افسانه‌ای را از منظر دور نمی‌دارند. اگرچه بخشی از حضور گسترده و چشم‌گیر امپریالیست‌ها در منطقه و توسط مسلتاریم و مسابحه تبلیغاتی مخاطر بحران عمیق اقتصادی جهان سرما به داری در دهه‌های اخیر سوپوزه در دهه‌های ۱۹۸۰ و همچنین آداب و گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق است، اما از روش دیگر اوج گیری جنبش‌های انقلابی رهائی بخش و ضد امپریالیستی توده‌های منطقه که مستقیماً منافع غارتگران امپریالیست‌ها را به خطر می‌اندازد، امپریالیست‌ها را واداشته است که علاوه بر منطرح کسردن رژیم‌های دست نشانده به بهانه حفظ رفت و آمد با منطرح آزادگشتی‌ها در منطرح فارس نمود در منطرح حضور فعال شکاری باشند.

در این راه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با آداب جنگ، سوپوزه سازداشت و حمله به کشتی‌های تجاری و نفت‌کش بهترین زمینه را برای امپریالیست‌ها فراهم آورده است. زیرا امپریالیست‌ها نمی‌توانستند بدون سیاست جنگ طلبانه و بان اسلامیستی جمهوری اسلامی ایران این چنین سرمایه‌آزور به فروش تبلیغات به کشورهای منطقه بپردازند، حضور فعال نیروهای مرکزگر خود را در منطقه ایمن چنین با منطرح منطرح جلوه دهند و انواع و اقسام تیزوهای واکنش سریع را در منطقه ایجاد نمایند. امپریالیست‌ها در بحران کنونی با توسل به میلتاریم از روشی سودهای کلان را به جیب می‌زنند و از روشی دیگر تلاش دارند تا کنگ رژیم‌های مترجم منطقه جنبش‌های انقلابی را سرکوب نمایند.



در بحث جنجال‌های تلویزیونی علیه "الفتن" کدام انگیزه‌ها و اهداف طبقاتی عمل میکنند؟

در خدمت این وظیفه انقلابی سازمان ما باید ضمن افشای جمهوری اسلامی و کلیه جریان‌های بورژوازی، اندوختنی خود را در خدمت فعالیت‌های سازمان در داخل ایران قرار دهند. ارتباط خود را با دوستان و آشنایان سازمان در داخل حفظ کنند. مناسبات خود را با آنان گسترش دهند. نشریات سازمان را برای آنها ارسال نمایند. آنها را در جریان منافع سازمان قرار دهند و همچون فعالین سازمان در داخل کشور در جهت گسترش نفوذ سازمان در میان توده‌ها بکوشند. راه انقلاب را همی و دشوار و پر پیچ و خم است، و ما که خود را با بسبب آلمان طبقه کارگر و اهداف این طبقه بدانیم، قادریم بر همه مشکلات فاش آشوب و علمبرگم تبلیغاتی مرتجعانه و مانیسمات بورژوازی و عوام‌طلبی آن از این سارزه سرور و صدور فراز بپروان آشوب.



گواهی یاد خاطره فدائی کبیر رفیق سینامک اسدیان (اسکندر)

رهبری شما می‌استثما روشندگان و ستارگان
دیده‌گان را درنا بودی استخارا رگران بی‌سره
همه‌دارد از جمله کمونیستهای که برای
تحقق این آرمان والای تمامی طبقه کارگر
اربدال جان خویش در بیخ نورزیده و جان
با غنچه همچون زندگیش چون گره سنگین و
با عظمت است فدائی کبیر سینامک اسدیان
"رفیق اسکندر" می‌باشد.
رفیق فدائی که زندگیش و سرگشتش
عظمت انسان جنجوگر و تحول گروا تصویر
می‌نماید.

در ۱۲ مهرماه ۱۳۶۰ همراه ما اولین
وزش با دهای عزاز در شمال، ساکنان خبری
در دالودگا رگران و زحمتکشان را در ما تسی
جانگانه فرود بود طبقه کارگر و جنبش
کمونیستی نوین ایران یکی از بهترین
رومندگان خود را از دست داد.

خبر حاکی از جان باختن با رگران انقدر
دکترا عظیمی لرستانی، هم‌روزم فدائی کبیر
حمید شرف، مسئول نظامی تشکیلات کردستان
سازمان و هم‌روزم هم‌نفسها و دان خلق کرد
فرزند جمهورکا رگران و زحمتکشان، انسان
کمونیست و عضو برجسته کا در مرکز سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران، رفیق
اسکندر بود.

سینامک اسدیان در سال ۱۳۳۴ در روستای
گزرگلی لرستان متولد شد. با درک تجریدی
استخارا در جوانی، برای غایب شدن به
ستاره استخارا به مبارزه انقلابی روی آورد و
دوفا دوش دگتر هشتک اعظمی مسلح بدست
به مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیستهای
حاشی آن برخاست. در سال ۱۳۵۴ با سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران ارتباط
مستقیم گرفت و بخاطر فعالیت برجسته

انقلابی به عضویت سازمان درآمد. همراه
با کبیر دانش مارکسیسم - لنینیسم و رگنا و
رفیق حمید شرف به مبارزه مسلحانه
انقلابی همچنان ادامه میداد و فعالیت
انقلابی بسیاری را از رفیق حمید شرف گرفت،
که از آن جمله ستارگبری خرد جسمی و
فاطمیت در انجام وظایف انقلابی اش بود.
انوریته اسکندر مستثنی بر اعتماد
رفیقانه عمیق بوده که خودنمایی از رعایت
دقیق و عمیق اصل مبارزه نظری، انتقالی و
انتقالی از خود کمونیستی بود. رفیق اسکندر
در دوران قبل از قیام رهبری چندین

عملیات نظامی علیه مزدوران رژیم شاه را
برعهده داشت. در تمامی عملیات، شما می
مسائل مربوط به عملیات را با اعطای
شیم تحت مسئولیتش دقیقاً مورد بحث و
بررسی قرار میداد و پس از انجام عملیات
به جمع بندی نتایج میپرداخت و نقاط قوت و
ضعف را همراه رفقا پیش بررسی مجدد میکرد.
همین فعالیتها بود که او را به یکی از رهبران
نظامی و تشکیلاتی برجسته سازمان تبدیل
ساخته بود.

عشق عمیق او به کارگران و زحمتکشان
اعتقاد واضح به مارکسیسم - لنینیسم
بمنزوان شناراه تجات طبقه کارگر و
بشریت او را چون گره در برابر دشمنان و
غاشنن به طبقه کارگر مستحکم ساخته بود.
از این روشنگار میگردد: روسته موسوم به
اکثریت راه غیانت به طبقه کارگر را در
پیش گرفتند، رفیق اسکندر در کنار رفقای
چون هادی، کاظم، منصور اسکندری، محسن
مدیرتانه چی، نظام، و دیگران مصمم و استوار
عده ابورتونیم بنیاد غایت و با انشاء
غاشنن اکثریتی و خروج و تبلیغ مواضع
مارکسیست - لنینیستی سازمان در طرورد
اکثریتی های غاشن از سازمان نقش موثر و
ارزنده ای ایفا نمود.

سینامک اسدیان در جریان انشعاب نشین
سینامی در هدایت روشنفکران انقلابی و
توده های کارگر و زحمتکشان لرستان به دست
سازمان ایفا نمود.

نظریه توانایی های رزمی سازمان ندهی
عالی اش بعد از انشعاب برای بازسازی
تشکیلات سازمان در کردستان، که پس از
خداوندت های اکثریتی ها تقریباً نابود شده
بود، به عنوار مسئول تشکیلات به مناقشه
کردستان آمد و با جدیت در مبارزه با زنی زکونید
و در مدت کوتاهی در قلب توده های ستار
دیده کردستان جاودانه شد.

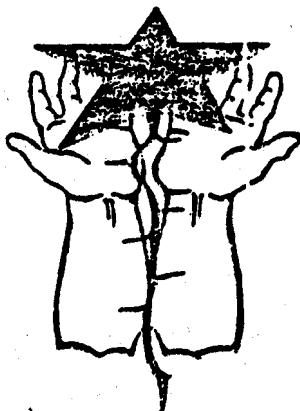
رفیق سینامک اسدیان سپس به تهران
مراجعت نمود و در بخش نظامی سازمان برای
مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی
سازمان ندهی شد. پس از انجام چندین عملیات
انقلابی مسلحانه علیه رژیم، هنگامیکه
برای انجام یک ما موریت سازمانی در
شمال ایران بر سر میبرد، در بهار از ظهور
۱۳/مهرماه ۱۳۶۰ همراه با دور رفیق فدائی
مصمود سربری و حمید مفری در یک نبرد
جاسی و نابرابر در آمل به عاصره
با سداران سوما به افشا دویس از سلاکت
رماندن تمسادی از مزدوران جهان
دویش زاد و راه آرمانش که ما نا رها نشی،
دیکراسی و سوسالیسم است نهاد نمود.
با دور رفیق اسکندر و رفقا مستحکم
بربری و حمید مفری گسراسی بساد.

ونک است خون من در دست کارگر
د اس است خون من در دست بزرگر



گرامی به خاطر شهدای مهرا ماه سازمان

- همایون کبیرانی
 - هوشنگ تهر گل
 - ناصر کبیری
 - بهرام طاهرزاده
 - ناصر مدنی
 - خیراله حسن وند
 - مهدی ناززاده
 - علی مهدنژاد
 - مرتضی توسلی
 - فاطمه روغن چی
 - عزتاله مطعم
 - سیدربج حسینی
 - رمضان قربانی
 - علیرضا مفری
 - حمید مفری
 - غلامرضا مفری
 - عبدالله یزدانی
 - شهسوار شفیعی
 - جعفر دلیر
 - بهرام بهلولکی
 - روح اله العالی
 - غلامحسین حمیدی
 - احمد سلیمانی
 - عباس گودرزی
 - حسن سیمت
 - حسن جان لنگوری
 - کامران علوی
 - فرشید فرجاد
 - احمد کبانی
 - قربان فریدی و فدایی کبیر
 - سینامک اسدیان
- با دشمنی جاننا غنکسان
کمونیسم گرامی بساد.



یادداشت‌های سیاسی

۱- انتظارات جمهوری اسلامی از قدرتهای امپریالیستی

فرماندهان و دولت‌ها به چشم قدرتمندی استکباری می‌روند. سخنان خامنه‌ای در این باره آنقدر روشن بود که مفاطمینش یعنی باصطلاح قدرتهای فزونی متوجه ضرسون دعوت گروانه و توصیه آمیز آن باخشند. و در همین حال این سخنان بنابه حساب و هوای براسم خارجمه و شرایط بسیج جنگی و تهیه جنگی آنچنان ظاهراً غافلگیرانده از موضع بالا ابراهند که امت حزب الله مردانشگاه حکمیرگویان به تهیه ویرانند و شمار مرگ تیر آمریکا بریده‌اند.

خامنه‌ای از طرح اشتباهات قدرتهای استکباری دودف عمده بهم‌پیوسته را دنبال می‌کند: اول پذیرش قدرت برتر ایران در منطقه از سوی این قدرتمند و تلاش در جهت مجاب کردن آنها که این قدرت

خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران، در ارتباط با پیشه جنگ، به رابطه جمهوری اسلامی و قدرتهای امپریالیستی اشاره نمود و انتظارات رژیم را از کشورهای امپریالیستی، در این موقیعت حساس، ترسیم نمود. بدین منظور خامنه‌ای تجارب و دستاوردهای ۶ سال جنگ ارتجایی را یاد آوری کرد و در بخشی از سخنانش امپریالیستهارا مخاطب قرار داد و از آنها دعوت کرد که براساس این تجارب ۶ ساله و موقیعت فعلی جمهوری اسلامی در ارزیابی‌های خود دچار اشتباه نشوند و از اشتباهات گذشته خود در رابطه با جنگ و جمهوری اسلامی درس آموزی کنند.

از دیدگاه، خامنه‌ای امپریالیستهارا به اشتباه‌هایی مرتکب شده‌اند که نتیجه‌اش دامان خود آنها را سگردد، خودشان

گرامی باد خاطره فدائی کبیر رفیق سیامک اسدیان (اسکندر)



تاریخ تاکنون شناخته همان را مبارزه طبقات، مبارزه نرده و نرده‌دار، مبارزه رعیت و ارباب نشودال، مبارزه ستمدیده و مستکمر تشکیل می‌دهد. مبارزه‌ای که در اوج خود هر بار با تحول انقلابی سازمان جامعه به فتیای هر دوی آنها و به حاکمیت رسیدن طبقه جدید برای ساختن جهان فقط بر مبنای منافع مادی و مضموی خویش ختم می‌شود. اما در مبارزه طبقاتی دوران کنونی، عمر انقلابات پرولتری، عمر گذار از سرما به داری به سوسیالیسم این طبقه کارگر است که بعنوان سازنده جهانی کاملاً بدیع و به تمام معنا متفاوت از دوران‌های گذشته، دنیایی عساری از استثمار، دنیایی با مبارزهای کمونیستی در مناسبات تولیدی، اجتماعی و فرهنگی در صفحه ۱۷

پتك است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست برزگر گرامی باد خاطره شهدای مه‌ماه سازمان



- « پروین فاطمی
- « اسما جیل بیدشهری
- « زهره بیدشهری
- « مصطفی رسولی
- « مهرنوش ابراهیمی
- « منوچهر سهاشی پور
- « سعید احمدی لاری
- « کرامت قنادی
- « زاهد سجادی
- « سعید بربری
- « نوربیا شفیعی
- « ابراهیم شریفی
- « علی حسن پور
- « محمد گسترانی
- « غلامحسین زینی وندخواه
- « پرویز عبدالعظیمیان

- دربای بیگران کارگران و زحمتکشان را با گشتی بهترین فرزندانش نمیتوان به سگون واداشت.
- جاودان باد یادشما می جانناختگان فدائی در مه‌ماه.
- زفکسا:
- « جنگز قنادی
- « محمدعلی سالی
- « سعید نورادی
- « حسن حامدی مقدم
- « حسین علیزاده
- « رحمت شریفی
- « حسن جلال ناشینی
- « لقمان بدائی
- « جهان‌شاه ضعیفی امفغانی
- « محمدرضا فرخاد
- « ژیلای سباب

صدای فدائی
۸/۵ شهریور موج کوتاه
ویدیف ۷۵ پتر
۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق